



Investigating the Definite Singleness of Rural Girls in Darreh Shahr City (A Grounded Theory)

Behrooz Sepidnameh¹ | Fatemeh Parvizi²

1. Corresponding author, Assistant Professor, Department of Sociology and Cultural Studies, Ilam University, Ilam, Iran.

Email: b.sepidnameh@ilam.ac.ir

2. PhD student in Kashan University, Kashan. Iran. Email: fatemeparvizi39@yahoo.com.

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 6 - 10 - 2021

Received in revised form:
4 - 2 - 2024

Accepted: 14 - 3 - 2024

Published online:
14 - 5 - 2024

Keywords:

Darreh Shahr, Definite
Singleness, Grounded
Theory, Ilam City, Rural
Girls

ABSTRACT

Many girls dream of an ideal marriage and failure to achieve it at the proper age leads to a problem called definite singleness. This research sought to achieve the paradigm model of definite singleness of girls using the grounded theory. The research population included rural girls in Darreh Shahr city of Ilam province, 22 of whom were selected as informants, using purposive sampling and considering the principle of theoretical saturation. Data collection was through semi-structured interviews, followed by three steps of open coding, axial coding, and selective coding. Causal conditions included the taboo of marriage turn¹, stigma, and ideal preferences. The contextual conditions consisted of cognition paradox, class distinctions, expecting too much, and restraining fears. Intervention conditions included involvement of others and personal failures. The main strategies were a Tolerance and silence, thinking about death, satisfaction with the minimum, Relationships with the opposite sex, belief in fortune tellers, anti-leisure actions, Satisfaction of others, and therapeutic groups. Consequences included despair, doubt and protest, acceptance and restitution, and distorted identity. The core category of this research was definite singleness as endless bitterness. The phenomenon of definite singleness of girls, which is the result of a lack of sexual capital, the reduction of emphasized femininity, and other factors, has led to the stigmatization and social exclusion of the girls, threatening their ontological security.

Cite this article: Sepidnameh, B. & Parvizi, F. (2024). Investigating the Definite Singleness of Rural Girls in Darreh Shahr City (A Grounded Theory), *Journal of Social Problems of Iran*, 14 (2), 53-79.



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

1 In which the younger cannot get married before the older girl because of traditional values.



مطالعه پدیده تجرد قطعی دختران روستایی شهرستان دره شهر

(ارائه یک نظریه زمینه‌ای)

بهروز سپیدنامه^۱ | فاطمه پرویزی^۲۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه b.sepidnameh@ilam.ac.ir۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: fatemeparvizi39@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	ازدواج، آرمان بسیاری از دختران است و عدم تحقق آن در سن مطلوب و تاخیر آن، به مسئله‌ای به نام «تجرد قطعی» منجر خواهد شد. این پژوهش با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای در پی دستیابی به مدل پارادایمی تجرد قطعی دختران است. جامعه هدف تحقیق، دختران روستایی شهرستان دره شهر از توابع استان ایلام است که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و با رعایت اصل اشباع نظری، تعداد ۲۲ نفر از آنان به عنوان اطلاع‌رسان در نظر گرفته و از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با آنان مصاحبه به عمل آمد. فرایند کدگذاری شامل سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی بود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴	شرایط علی شامل: تابوی نوبت، داغ ننگ، ترجیحات آرمانی بودند. شرایط زمینه‌ای را پارادوکس شناخت، ناهمسانی طبقاتی، همه چیز خواه و هراس‌های بازدارنده رقم زده بودند. شرایط مداخله‌ای شامل مانع‌تراشی‌های اطرافیان و ناکامی‌های شخصی بود. مهم‌ترین راهبردها عبارت بودند از: تحمل و سکوت، مرگ اندیشی، رضایت به حداقل‌ها، ارتباط با جنس مخالف، پناه بردن به رمال‌ها و فراغت ستیزی. جلب رضایت دیگران، ایجاد گروه همدرد پیامدها شامل: استیصال، تردید و اعتراض، پذیرش و جبران، هویت مخدوش بود. مقوله کانونی این پژوهش تجرد قطعی به مثابه تلخی بی پایان است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵	پدیده تجرد قطعی دختران که برآیند نقصان سرمایه جنسی و فروگاهی زنانگی مؤکد و عوامل دیگر است سبب برچسب خوردن دختران و داغ‌دیدی آنان شده است و این داغ ننگ به طرد اجتماعی‌شان انجامید، طردی که امنیت وجودی‌شان را به خطر انداخته است
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴	
کلیدواژه‌ها:	
تجرد قطعی، دختران روستایی،	
استان ایلام، دره شهر، نظریه	
زمینه‌ای.	

استناد: سپیدنامه، بهروز و پرویزی، فاطمه. (۱۴۰۳). مطالعه پدیده تجرد قطعی دختران روستایی شهرستان دره شهر (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)؛ بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۴ (۲)، ۵۳-۷۹.



۱. بیان مساله

خانواده یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین نهادهای بشری است که از پیوند زناشویی مرد و زن شکل و قوام یافته است. «در طول تاریخ نظام اجتماعی ایران - قبل و بعد از ورود اسلام - پیوندهای خانوادگی به لحاظ تاریخی اجتماعی منزلت بالایی داشتند، به گونه‌ای که پس از تحولات و تغییرات خانواده در جریان مدرن شدن جامعه، همچنان خانواده نهادی برای پیوند میان «فرد» و «جامعه» بوده است» (صادقی فسایی، عرفان منش، ۱۳۹۱).

خانواده در گذر زمان دستخوش دگرگونی‌های فراوانی شده است. تغییرات اجتماعی و فرایند نوسازی سبب ایجاد دگرگونی‌های فراوانی در مناسبات و روابط خانوادگی شده و خانواده ایرانی نیز بی نصیب از چنین تغییراتی نگشته است.

جامعه ایران، همچون بسیاری از جوامع در حال توسعه، چند دهه است که قدم در راه مدرن شدن گذاشته و اثرات این مدرنیته نوپا و وارداتی را بر کلیه ساختارها و نهادهای خود تجربه می‌کند. شواهد موجود حاکی از آن است که برخی روندها و پدیده‌هایی که در دهه‌های گذشته منجر به تحول و دگرگونی خانواده در جوامع غربی شده‌اند، امروزه، به درجات مختلف، در خانواده ایرانی بروز و ظهور یافته‌اند. در مجموع، چنین به نظر می‌رسد که در جریان مدرن شدن جامعه و اشاعه فرهنگ مدرن، خانواده آسیب‌پذیرتر شده باشد. خانواده به سوی دگرگونی نگرش‌ها، ارزش‌ها، روابط، و نقش‌ها پیش می‌رود (جمشیدیها و همکاران، ۱۳۹۲). امروزه روابط اعضای خانواده و مخصوصاً روابط زناشویی در دنیای مدرن سست و شکننده شده است و هریک از اعضای خانواده خواسته‌های فردی خود را دنبال می‌کند، ولی سرنوشت آدم‌ها به هم گره خورده است (صادقی فسایی، پروایی، ۱۳۹۶).

در آمیختن مسائل نهاد خانواده با تغییرات فرهنگی جدید در زندگی روزمره و بافت اجتماعی زمینه تدقیق و تحلیل مسائل جدید را فراهم آورده است (صادقی فسایی، عرفان منش، ۱۳۹۷). درواقع امروزه همراه با تغییرات اجتماعی - فرهنگی، مسائل و چالش‌های جدیدی در خانواده‌های ایرانی ظهور یافته است؛ برای مثال می‌توان به رشد پدیده طلاق، بالا رفتن سن ازدواج و بسط تجردگرایی، اشاره کرد. (صادقی فسایی، پروایی، ۱۳۹۶). افزایش سن ازدواج و بروز تجرد قطعی در جامعه، ناشی از مشکلاتی است که در نتیجه تغییرات کلان در سطح جامعه پدید آمده است و نه فقط در ایران، بلکه حتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز مشاهده شده است (طالب پور، بیرانوند، ۱۴۰۱).

زنانی را دارای تجرد قطعی می‌دانند که هنوز ازدواج نکرده و سن معمول برای ازدواج را پشت سر گذاشته‌اند (چابکی، ۱۳۹۵). در عرف جمعیت‌شناسان تجرد قطعی به وضعیت دخترانی اطلاق می‌شود «که به هر دلیل موفق به ازدواج به‌موقع به‌ویژه در فاصله سنی ۱۸ تا ۲۹ سالگی نمی‌شوند و تا آستانه ۴۵ و طبق برخی دیدگاه‌ها تا ۴۹ سالگی امتداد می‌یابد» (شرف الدین، ۱۳۹۷).

جامعه ایران طی سال‌های اخیر و تا کنون با تغییرات شگرفی در زمینه ازدواج به معنای افزایش سن ازدواج، افزایش نسبت‌های تجرد از سنین مجاور یا نزدیک به سن میانگین ازدواج و بعد از آن، افزایش نسبت تجرد قطعی و در مقابل کاهش عمومیت ازدواج مواجه شده (خانی، ۱۴۰۰) نسبت تجرد زنان از سنین ۳۰ به بالا با افزایش نسبی همراه شده است و درصد افزایش نسبی در گروه‌های سنی بالاتر، بیشتر بوده است. همین افزایش‌های انباشتی باعث شده است نسبت تجرد قطعی زنان در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با سال ۱۳۸۵ با حدود ۱۰۳ درصد افزایش نسبی همراه باشد. از طرف دیگر، مشاهده می‌شود که نسبت عمومیت ازدواج نیز در مقایسه با سال پایه با حدود ۲ درصد کاهش نسبی همراه شده است (همان). بنا بر آخرین آمار سرشماری در کشور، در سال ۱۳۹۵ آمار تجرد قطعی در ایران حدود ۸۰ هزار نفر بود. اما مرکز پژوهش‌های مجلس نوشته است که در سال ۱۴۱۰ کشور با بیش از یک میلیون تجرد قطعی مواجه می‌شود. وجه مسئله‌مندی پدیده تجرد قطعی سبب شده تا مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و دفتر مطالعات

اجتماعی با حضور کارشناسان و پژوهشگران حوزه مسائل اجتماعی و با حضور رییس فراکسیون جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی به بررسی ابعاد مجرد قطعی، چالش‌ها و راهکارهای آن پرداختند^۱

تجرد قطعی «اگر چه برای زنان و مردان به یکسان امکان وقوع دارد، اما در تلقی عمومی، جنبه آسیبی آن در ناحیه زنان، به دلایلی بیشتر از مردان ارزیابی و احساس می‌شود دلیل این تفاوت این است که تجرد در مردان نوعاً امری اختیاری و انتخابی و در زنان غالباً تحمیلی است؛ دلیل دوم اینکه تجرد قطعی در زنان، آثار مخرب فردی و اجتماعی بیشتری به دنبال دارد. (فتحی و جاوید، ۱۳۹۷: ۳۰). از مهم‌ترین پیامدهای منفی تجرد قطعی دختران می‌توان به «غم، افسردگی، بی‌انگیزگی، بی‌هدفی و احساس محرومیت، و تغییر الگوی باروری و کاهش رشد جمعیت و از بین رفتن تعادل هرم جمعیتی و در نتیجه پیری جمعیت برای جامعه» (طالب‌پور، بیرانوند، ۱۴۰۱). اشاره نمود.

استان ایلام نظیر سایر استان‌های کشور از نوسانات تغییرات اجتماعی و اقتصادی که باعث بالا رفتن سن ازدواج دختران شده بی‌نصیب نمانده است و شهرستان دره‌شهر نیز به پیروی از شرایط موجود شاهد روند رو به رشد این پدیده اجتماعی است. طبق آمارهای سرشماری نفوس و مسکن، نرخ تجرد قطعی زنان استان از ۲/۶۲ در سال ۱۳۹۰ با حدود ۲/۶ اختلاف به ۵/۲۱ در سال ۱۳۹۵ رسید. بر همین منوال نرخ تجرد قطعی زنان دره شهر از ۱/۸۹ در سال ۱۳۹۰ با ۴/۰۸ اختلاف به ۵/۹۷ در سال ۱۳۹۵ افزایش یافت. پیامد این افزایش نرخ آسیب‌های مختلف فردی و اجتماعی است که زنان در تجرد قطعی مانده را تهدید می‌کند. امکان بروز چنین خطراتی در کنار خلاء پژوهشی موجود، محققین را به مطالعه‌ی این پدیده رهنمون ساخته است که به درون فهمی تجربه‌ی زیسته‌ی دختران از دوران تجرد قطعی بپردازند و دلالت‌های معنایی آنان را ترسیم نمایند لذا مسأله‌ی خود را این‌گونه بیان می‌دارند: ابعاد مختلف تجرد قطعی دختران چگونه است؟

۲. سؤالات تحقیق

- ۱-۲. مهم‌ترین شرایط علی تجرد قطعی دختران کدامند؟
- ۲-۲. مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای تجرد قطعی دختران کدامند؟
- ۳-۲. مهم‌ترین شرایط مداخله‌ای تجرد قطعی دختران کدامند؟
- ۴-۲. مهم‌ترین راهبردهای دختران مجرد قطعی کدامند؟
- ۵-۲. مهم‌ترین پیامدهای راهبردهای اتخاذ شده از دختران مجرد قطعی کدامند؟

۳. پیشینه تحقیق

به منظور بررسی پیشینه تحقیق، پژوهش‌هایی که از نظر موضوعی هم‌سو با موضوع تجرد قطعی بودند مد نظر قرار گرفتند. این هم‌سویی شامل موضوعاتی نظیر: تجرد، تجرد قطعی، زیست مجردی، بازماندگی از ازدواج، تأخیر ازدواج و عمومیت ازدواج می‌باشند.

محقق/ان	سال	عنوان	روش	یافته
گنجی و همکاران	۱۴۰۰	گونه‌شناسی دختران ازدواج نکرده ایلامی برحسب دلایل تجرد	سنخ‌شناسی	انواع سنخ‌ها: دختران مجرد سردرگم، دختران مجرد سرخورده، تعویق ازدواج تا تحقق اهداف، دختران مجرد مبادله‌نگر، دختران مجرد استقلال طلب، انگ خوردگان، گرفتار در پنجره نگرشی بسته و دختران مجرد کمال‌گرا. به طور کلی میتوان از نقش قاطع تغییرات فرهنگی و بستر اقتصادی جامعه مورد مطالعه در محقق شدن شرایط لازم برای پدیده افزایش سن ازدواج دختران جامعه ایلامی صحبت کرد
مداحی و همکاران	۱۴۰۰	مسئله تجرد: سوژه و زیست‌جهان نو پدید دختران شهر تهران	گراند تئوری	ترجیح‌رهایی و آزادی، حداکثرسازی منفعت و فردمحوری، گذران اوقات فراغت در قالب مدرن، شرایط ایجابی مشاغل جدید و مجازی، خانه مجردی: زمینه‌های مدرن زیست‌جهان، سیالیت روابط با دیگران مهم، بازاندیشی بدن و اهمیت آن، گزینش انزوا و تنهایی، بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به مردان، تهران و آرمان‌شهر مجردان، ترس از شکست و طلاق مقولات اصلی، همچنین، «تجرد: زیست‌جهانی چندوجهی» به‌عنوان مقوله هسته‌ای بدست آمده از تحلیل داده‌ها بودند. یافته‌ها بر این دلالت داشتند که دختران مجرد در انتخاب زیست‌جهان خود تبدیل به عاملان و کنشگرانی فعال شده و دست به انتخاب می‌زنند؛ مسئله‌ای که چالشی جدی و چندوجهی را پیش‌روی جوانان قرار داده است.
زارع و همکاران	۱۳۹۹	زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی- فرهنگی (رویکردی تحلیلی مبتنی بر آرای ژان بودریار و ریچارد سینت)	تحلیلی تفسیری	فرم زندگی زیست مجردی، زنگ خطر را در روابط سرد اجتماعی، تشکیل خانواده، ناشناختگی، انزوا و بیداد فردگرایی به صدا درآورده است. این اشاعه ماجراجویانه فرهنگ مدرن در میان جوانان و اروتیک‌سازی علایق آنان، کاملاً مسئله آفرین بوده که زیست مجردی، تنها یکی از پیامدهای آن می‌باشد.
افضلی گروه و همکاران	۱۳۹۹	بررسی پیامدهای بازماندگی از ازدواج دختران بالای ۳۰ سال شهر کرمان	پدیدارشناسی	الف) پیامدهای مثبت: ۱. فردی (فرصت پیشرفت شغلی و تحصیلی، یافتن اهداف جدید، احساس آزادی و استقلال، احساس خودتکایی، خودشناسی بیشتر، فرصت تفریح و سرگرمی، احساس آسودگی نسبت به شرایط بد زنان متأهل، نداشتن مسئولیت، شیرینی انتظار، احساس پختگی در تصمیم‌گیری) ۲. اجتماعی و فرهنگی (انجام بهتر وظایف شغلی) ۳. خانوادگی (روابط خانوادگی نزدیک‌تر، فرصت رسیدگی بیشتر به والدین). ب) پیامدهای منفی: ۱. فردی (ورود به روابط ناخواسته و ازدواج‌های اجباری، سوءاستفاده‌های مالی و عاطفی، حسرت مادر شدن، احساس تنهایی، دغدغه ناباروری، احساس نیاز به تکیه‌گاه و حمایت‌کننده، ندامت و پشیمانی، احساس سربار بودن، احساس نا امنی و ترس از مورد سوءاستفاده قرار گرفتن، احساس نگرانی و ناامیدی نسبت به آینده، بی‌تفاوتی نسبت به ازدواج، استرس و فشار روانی، گوشه‌گیری و قطع ارتباط با اطرافیان) ۲. اجتماعی و فرهنگی (احساس ناکامی و نیاز به حمایت دولتی، برچسب‌ها و سرزنش‌های اجتماعی، از دست دادن زمینه‌های موفقیت، گرفتار شدن در

محقق/ان	سال	عنوان	روش	یافته
				روابط بدون تعهد، ایجاد روابط خارج از زناشویی) ۳. خانوادگی (سرزنش اعضای خانواده، دل‌نگرانی‌های اعضای خانواده، تنش‌های ناشی از کنترل‌ها و دخالت‌های نابجای اعضای خانواده، مسئولیت مراقبت از والدین پیر).
کوششی و خلیلی	۱۳۹۹	پیش‌بینی عمومیت ازدواج زنان ایران (برپایه تحلیل الگوهای همسرگزینی)	اسنادی	برای نسلی که در سال ۱۳۹۵ به ۱۰ سالگی می‌رسد، چنانچه زنان تنها یک بار ازدواج کنند، حدود یک چهارم و اگر تقاضایی از طرف مردان طلاق-گرفته داشته باشند، حدود یک پنجم از آنان تا ۵۰ سالگی، هرگز ازدواج نخواهند کرد.
شرف‌الدین	۱۳۹۷	تأملی بر موضوع تجرد زنان در ایران	مطالعه اسنادی	تجرد، اعم از تجرد ابتدایی و تجرد ثانوی و متأخر، از علل و عوامل شخصی و ساختاری متعددی ناشی شده و آثار و پیامدهای زیان‌باری در سطوح فردی و اجتماعی به همراه دارد.
قادرزاده و همکاران	۱۳۹۶	بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از تجرد	گراندد تئوری	زمینه‌هایی چون تثبیت دال‌های پذیرفته شده، ازدواج به مثابه نهاد حمایتی، جنسیتی شدن فضای عمومی و تقدیرگرایی در تجرد زنان نقش دارند. در این میان، محدودیت‌های پذیرفته شده به مثابه زمینه تسهیل‌گر و بازنمایی وابستگی در رسانه به منزله شرایط مداخله‌گر عمل کرده‌اند. بازسازی معنایی تجربه و درک دختران مجرد از تجرد بر الزام‌های استتار، مکان‌های مذهبی به مثابه پناهگاه، سیاست حضور و روی آوردن به مشاغل زنانه، بازاندیشی و مجازی شدن روابط دلالت دارد. تجربه تجرد برای دختران، خشونت روانی، انزوای مضاعف، آینده مبهم و احساس سرباری و ابژه‌های حقارت در پی داشته است. مقوله هسته نیز بر دسترس ناپذیر بودن موقعیت‌ها دلالت دارد.
رمضانی و قلتاش	۱۳۹۶	تجربه زیسته دانشجویان دکترا دانشگاه کردستان در بازماندگی از ازدواج	پدیدارشناسی توصیفی	عوامل موثر بر تاخیر و بازماندگی از ازدواج دانشجویان شامل ۶ مضمون اصلی؛ تحولات اجتماعی- فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل خانوادگی، عوامل مربوط شرایط شغلی، عوامل فردی و عوامل دولتی- حکومتی است و پیامدها و تبعات تاخیر در ازدواج دارای دو مضمون اصلی پیامدهای مثبت و پیامدهای منفی بود که پیامدهای منفی دارای ۶ مضمون فرعی؛ فردی/ شخصی؛ اجتماعی/ فرهنگی/ خانوادگی؛ اقتصادی؛ سیاسی و فردی بود و پیامدهای مثبت تنها شامل پیامدهای فردی است
عباس زاده و نیکدل	۱۳۹۵	مطالعه بسترهای زمینه ساز تاخیر در ازدواج دختران	پدیدارشناسی توصیفی	الف) زمینه‌های فردی: ۱. الگوهای عقیدتی (تقابل اعتقادات مذهبی، نفی روایت‌های پیشین از نقش همسری، تکرر در باز تعریف خود به تناسب موقعیت) ۲. الگوهای روان‌شناختی (انباشت موانع ذهنی کاذب، ناتوانی در تحلیل ضعف‌های شخصی، اضطراب سن و اضطراب زمان) ۳. متعین‌های تجارب زمانی (بینش مدیریت و تغییر معادلات احساسی، احساس فقدان / مواجهه با موقعیت‌های از دست رفته، ریسک طلاق و از دست رفتن فرصت بازسازی). ب) زمینه‌های اجتماعی فرهنگی: ۱. تحول مناسبات میان دو جنس (تجارب پیشا ازدواجی، کالای شدن ازدواج: جایگزینی کنش‌گری، حسابگرانه با کنش‌گری تقدیرگرایانه) ۲. فیلترینگ دیگران مهم (کلیشه‌های رایج تعریف کننده همسر خوب، امکان جذب و ادغام در چارچوب هنجارهای

محقق/ان	سال	عنوان	روش	یافته
				خرد) ۳. سستی مبانی اخلاقی (ناشناسی و بی اعتمادی، اپیدمی انحرافات اجتماعی)
حسینی و ایزدی	۱۳۹۵	پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران	پدیدارشناسی توصیفی	علی رغم تفاوت در علل تجرد (تجرد خودخواسته، تجرد ناخواسته)، بیشتر سوژه‌ها احساسات دوگانه‌ای نسبت به تجرد دارند، آن‌ها از یک سو از استقلال و آزادی ناشی از تجرد راضی و خشنود هستند و از سوی دیگر احساس تنهایی کرده و دیگران را به ازدواج توصیه می‌کنند. استقلال نیز به دو شکل ذهنی و عینی از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان استنباط شد. هویت ناقص - با زیر مقولات هویت تکامل نیافته و هویت جنسیتی تحقق نیافته بر ساخت شده است.
چابکی	۱۳۹۵	روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی	گراند تئوری	مقولات در قالب سه مقوله محوری: نگاه آرمان‌گرایانه دختران به ازدواج، تغییر نگاه نسبت به جایگاه دختران در خانواده و شرایط اجتماعی کاهش دهنده جاذبه ازدواج طبقه بندی شدند. با توجه به مقولات محوری، مقوله هسته "آرمان‌گرایی برآمده از ارزش‌های فرامادی" شکل گرفت.
قانع عزآبادی	۱۳۹۲	تجارب زیسته دختران ۳۰ سال به بالا در زمینهٔ داغ ننگ ناشی از تجرد (مورد مطالعه: شهرهای اصفهان و یزد)	پدیدارشناسی	یافته‌های پژوهش بیانگر حضور پررنگ داغ ننگ برآمده از تجرد در تجربه زیستهٔ افراد بررسی‌شده است. سنگینی نگاه دیگران، ترجم‌های بی‌مورد، پرسش‌ها و کنجکاوی‌های مزمن، سرکوفت‌های خانواده، احساس سربار بودن، نسبت‌دادن عیب و ایرادات ناروا و القاب ناشایست، نیش‌خندهای زهرآلود، و طعنه‌های بی‌رحمانه از جمله مقولاتی هستند که داغ ننگ معطوف به خود و داغ ننگ ادراک‌شده از جانب جامعه را در تجربهٔ تجرد دختران ۳۰ سال و بالاتر در این پژوهش رقم می‌زنند.
رایمو و همکاران	۲۰۲۱	نیات، خواسته‌ها و راه‌های ازدواج در ژاپن	اسنادی	بیشتر جوانان مجرد دختر و پسر علاقه به ازدواج دارند اما تحت شرایطی قرارگرفته‌اند که در اختیارشان نیست و به اجبار در این شرایط حضور دارند
آپوستولو و همکاران	۲۰۲۰	آیا افراد در مجرد بودن مختارند؟ (بررسی علل تجربی مجرد ماندن جوانان در کشور آمریکا)	پیمایشی	مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تجرد در این پژوهش مهارت‌های پایین دوستی و معاشقه با جنس مخالف، ترس از آسیب دیدن در رابطه، داشتن اولویت روابط متنوع و مسائل جنسی است. به‌طور خاص مردان برای حفظ آزادی و تعدد روابط میل بیشتری به مجرد ماندن نشان می‌دهند، درحالی‌که دختران مجرد در ژاپن بیشتر به دنبال عدم صدمه دیدن در رابطه هستند. افراد در سنین پایین به دلیل ضعف مهارت مجرد می‌مانند در صورتی‌که در سنین بالا به دلیل آزادی در روابط و عدم مسئولیت مجرد می‌مانند.

۴. نقد پیشینه‌ها

با نگاهی اجمالی به پژوهش‌های انجام شده در حوزه تجرد دختران مشاهده می‌شود که این موضوع مسئلهٔ بسیاری از پژوهشگرانی داخلی و خارجی است. التفات پژوهشگران به پارادایم کیفی و روش‌های تحقیق نظیر گراند تئوری، پدیدارشناسی و نیز مطالعه اسنادی بیانگر برساختی بودن پدیده و ضرورت درون فهمی لایه‌های تو در توی آن است. در برخی از پژوهش‌ها، تجرد خودخواستهٔ دختران مد نظر محققین بوده و در بسیاری دیگر از آن‌ها به بسترهای علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای و پیامدهای آن توجه شده است. در

پارهای دیگر از پژوهش‌ها یکی از پیامدهای غالب نظیر داغ ننگ ناشی از تجرد، ذهن پژوهشگران را درگیر خود ساخته است. فقدان روش‌های مبتنی بر روایت‌پژوهی، یکی از کاستی‌هایی است که ضروری است مد نظر پژوهشگران قرار گیرد. مهم‌ترین وجه افتراق پژوهش حاضر با پژوهش‌های مشابه آن است که برخلاف پژوهش‌های مذکور که جامعه هدف خود را از بین زنان شهری انتخاب کرده‌اند جامعه هدف آن زنان روستایی است. از سویی دیگر تا کنون پژوهشی با این موضوع و با این روش (نظریه زمینه‌ای) در استان ایلام انجام نگرفته است.

۵. چارچوب مفهومی

ماهیت استقرایی پژوهش کیفی که مبتنی بر کشف و درون فهمی است اقتضا می‌کند که به جای بهره‌گیری از چارچوب نظری که مبتنی بر منطق قیاس و قضاوت‌های پیشینی است استفاده شود. در چارچوب مفهومی پیش‌رو، مفاهیم حساسی که هدایت‌گر محققین در فرایند جمع‌آوری داده‌ها و نتیجه‌گیری‌اند مد نظر قرار گرفته‌اند. مفاهیمی که به نحوی در ارتباط با پدیده مورد مطالعه‌اند و در در فصل‌بندی یافته‌ها از آن‌ها استفاده شده است.

۵-۱. طرد اجتماعی^۱

طرد اجتماعی روندی است که طی آن افراد یا گروه‌ها به طور کامل یا بخشی از مشارکت کامل در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند طرد شوند (چکروارتی، ۲۰۰۹: ۱۳۹). طرد از فرآیندهای اجتماعی- فرهنگی، به طرد از مشارکت در شبکه‌های اجتماعی خاصی مربوط می‌شود (ورانکن، ۲۰۰۴: ۱۲). طرد اجتماعی، از هم گسیختگی پیوندهای اجتماعی میان فرد و جامعه است (سیلور، ۲۰۰۸: ۳۰۲). همه گروه‌های طرد شده، تفاوتی را احساس می‌کنند. آنچه این تفاوت را تعریف می‌کند حول و حوش ارزش‌های خلاف عقیده عموم شکل می‌گیرد با این ارزش‌ها یا این تصورات از دنیا است که در نهایت، این گروه‌ها طرد می‌شوند، خواه خودشان از دنیایی که در آن جایگاهی ندارند کنار بگیرند، خواه دیگران آن‌ها را به دلیل عدم قابلیت و پذیرش ایده‌هایشان طرد کنند (زیبرا، ۱۳۸۵: ۱۳).

۵-۲. داغ ننگ^۲

داغ ننگ ویژگی یا صفتی است شدیداً بدنام کننده یا ننگ آور که قدرتش نه در ذات خویش بلکه در بطن روابط اجتماعی نهفته است (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۲). پدیده‌ای که شرایطی پدید می‌آورد بی نهایت آزار دهنده و فرد داغ خورده را همواره نگران پذیرش از جانب آدم‌هایی می‌کند که عادی خوانده می‌شود، یک برچسب اجتماعی که راه نگرستن فرد به خود را تغییر می‌دهد و وی را از پذیرش اجتماعی کامل توسط دیگران سلب صلاحیت می‌کند (رایت و همکاران، ۲۰۰۷: ۹۳).

۵-۳. امنیت هستی‌شناختی (امنیت وجودی)^۳

امنیت هستی‌شناختی به معنی داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاه عملی برای پرسش‌های وجودی و بنیادین است که همه آدم‌ها در زندگی روزمره با آن روبرو می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲-۷۵). امنیت هستی‌شناختی حفاظت و حراست از تهدیداتی است

1 Social Exclusion

2 Stigma

3 Ontological security

که به فرد امکان و اجازه می‌دهد تا امید و شهادت خود را برابر هر نوع شرایط مخرب و تضعیف کننده ایی که شاید در آینده با آن مواجه شود را حفظ کند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸). بر این اساس هویت در حوزه تهدید قرار می‌گیرد به این معنا و مفهوم که هنگامی که ناامنی هستی شناختی افراد افزایش پیدا می‌کند، آنان تلاش می‌کنند تا سوژه بودن و فردیت را امنیتی کنند که به معنای تشدید جستجو برای کسب هویت با ثبات فارغ از وجود واقعی و عملی آن است (همان).

۵-۴. سرمایه جنسی^۱

سرمایه جنسی یکی از مفاهیم ابداعی کاترین حکیم^۲ است. از نظر او این سرمایه دارای شش مؤلفه است که عبارتند از: ۱. زیبایی ۲. جذابیت جنسی ۳. مهارت‌های اجتماعی نظیر فریبندگی، دلربایی و خوش مشربی ۴. سرزندگی ۵. شیوه ظاهر شدن در جامعه نظیر شیوه لباس پوشیدن، استفاده از عطر و جواهرات، مدل مو و آرایش صورت که بر اساس آن، افراد پایگاه اجتماعی و سبک زندگی‌شان را به رخ دیگران می‌کشند ۶. مهارت‌های جنسی، انرژی تخلیه شهوانی (رک: بنایی و همکاران، ۱۳۹۹).

۵-۵. زنانگی مؤکد

از نظر آر. دبلیو. کانل^۳ زنانگی مؤکد^۴ تابع منافع و امیال مردان است و مشخصه آن فرمانبرداری، دلسوزی و پرستاری و همدلی است. در میان زنان جوان، این نوع زنانگی به پذیرایی جنسی مربوط می‌شود و در میان زنان سالخورده‌تر حاکی از مادری است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۷۶).

۶. روش‌شناسی

با توجه به ماهیت برساختی پدیده مورد مطالعه، پارادایم تحقیق کیفی است و با عنایت به اهداف پژوهش که بازنمود شرایط مختلف دخیل در ظهور پدیده تجرد دختران و شناسایی راهبردها و پیامدهای مهم، روش تحقیق از نوع نظریه زمینه‌ای^۵ می‌باشد. اطلاع‌رسان‌ها شامل دختران روستایی دره‌شهر که در سن تجرد قطعی قرار گرفته‌اند. نوع نمونه‌گیری هدفمند بوده و بر اساس اصل بسندگی و اشباع، کفایت نمونه‌گیری در تعداد ۲۲ نفر از اطلاع‌رسان‌ها مشخص گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختمند بود. استراتژی استخراج و تحلیل داده‌ها بر اساس کدگذاری سه‌گانه باز، محوری و گزینشی انجام پذیرفت. تصدیق‌پذیری یافته‌ها از طریق بهره‌گیری از نظرات داوران خبره و انتقال‌پذیری آن‌ها از راه مقارنه و مقایسه یافته‌ها با پیشینه‌های تجربی و مفاهیم حساس محقق گردید.

جدول ۱. توصیف ویژگی‌های اطلاع‌رسان‌ها

ردیف	نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	شیوه زندگی
۱	شهین	۴۵	ارشد اقتصاد	بیکار	پدر و مادر
۲	زینب	۴۶	دیپلم	بیکار	پدر و مادر

1 Erotic Capital

2 Hakim

3 Connell

4 Emphasized femininity

5 Grounded theory

ردیف	نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	شیوه زندگی
۳	سهیلا	۴۱	لیسانس علوم اجتماعی	کاردر موسسه خیریه	پدر و مادر
۴	کلثوم	۴۲	بی سواد	بیکار	پدر و مادر
۵	رقیه	۵۱	بی سواد	بیکار	مادر
۶	نسا	۴۸	بی سواد	بیکار	با برادر
۷	طاهره	۶۱	بی سواد	بیکار	با برادرزاده
۸	صدیقه	۴۹	بی سواد	بیکار	با مادر
۹	پروین	۴۸	راهنمایی	مغازه دار	با مادر
۱۰	سارا	۳۹	فوق دیپلم	شاگرد مغازه	با پدر و مادر
۱۱	مریم	۴۸	راهنمایی	قالی باف	با پدر
۱۲	زهرا	۴۲	بی سواد	بیکار	تنها
۱۳	کوثر	۴۰	دیپلم خیاطی	بیکار	با پدر و مادر
۱۴	یاسمن	۴۵	لیسانس جغرافیا	مغازه دار	با مادر
۱۵	سوسن	۴۷	بی سواد	قالی باف	تنها
۱۶	مهین	۴۶	راهنمایی	قالی باف	با پدر و مادر
۱۷	سمیرا	۴۱	دیپلم	بیکار	با پدر و مادر
۱۸	الهام	۴۰	دیپلم	بیکار	با مادر
۱۹	سمیه	۴۴	راهنمایی	مراقبت از معلولین در یک موسسه	با پدر و مادر
۲۰	نسرین	۵۰	ابتدایی	قالی باف	با پدر
۲۱	کژال	۳۹	لیسانس	بیکار	با پدر و مادر
۲۲	سعیده	۴۶	دیپلم	مغازه دار	با پدر و مادر

۷. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش براینند کدگذاری سه‌گانه باز، محوری و گزینشی است که طی آن‌ها متن به مفاهیم و کدهای اولیه و آن‌گاه به مقولات تبدیل شده‌اند. براینند نهایی این کدگذاری‌ها مشخص نمودن ابعاد مدل پارادایمی و تعیین مقوله کانونی است که به شرح زیر گزارش می‌گردند:

جدول ۲. مفاهیم و مقولات مستخرج از یافته‌ها

مفاهیم	مقولات اصلی
زنانگی ناقص، جبر سرنوشت، خانواده نابسامان	داغ ننگ
در انتظار همسر آرمانی، سودای خواستگار بهتر	ترجیحات آرمانی
وجه سلبی شناخت (شناخت تضادها)، وجه ایجابی شناخت (شناخت تفاوت‌ها)	پارادوکس شناخت
ایده زن شاغل ایده زن تحصیلکرده، ایده زن شهری، ایده زن متمول	کمال گرایی
تابوی ازدواج دختر کوچک قبل از خواهر بزرگتر	تابوی نوبت

مفاهیم	مقولات اصلی
هراس از مسئولیت‌پذیری، هراس از آینده	هراس‌های بازدارنده
بدگویی، تحریک و تحریض، لجبازی، رسم ناف بران، اختلافات خانوادگی	مانع تراشی اطرافیان
عشق نافرجام، خواستگار مستعمل	ناکامی‌ها
سکوت در برابر مشکلات، تحمل وضع موجود	تحمل و سکوت
به فکر مرگ بودن، اقدام برای خاتمه دادن به زندگی	مرگ اندیشی
پذیرش هر خواستگار، انصراف قطعی از ازدواج	انتخاب از سر اضطرار
مراودات تلفنی، مراودات مجازی، مراودات حقیقی	تعاملات غیر رفی
التجا بردن به فال، دعا نویسی، کف بینی	پناه بردن به رمالی
مناسک‌گرایی، خیر طلبی، پرسه‌زنی، رسانه پناهی	فراغت‌گرایی
آرایش کردن، پوشش نامناسب، عمل زیبایی	مدیریت بدن
ایجاد فعالیت تولیدی یا خدماتی، اشتغال نزد دیگران	خودانکایی
نگهداری از کودکان، سالمندان، رفت و روب خانه	جلب رضایت دیگران
عضویت در گروه‌های مجازی هم‌درد، شرکت در دور همی‌های حقیقی گروه هم‌درد	ایجاد فضای هم‌دلانه
احساس درماندگی، افسردگی، پرخاشگری، بی‌قراری، دلتنگی	استیصال
شک در عدالت خدا، اعتراض به عادت خدا	تردید و اعتراض
پذیرش وضعیت موجود، مکانیسم جبران	پذیرش و جبران
ناراضی‌تبی از محدودیت‌های اجتماعی فرا روی دختران، اعتراض به محدودیت‌های جنسیتی،	هویت مخدوش

۷-۱. شرایط علی

مهم‌ترین شرایط علی برخاسته از متن مصاحبه‌ها عبارتند از:

۷-۱-۱. تابوی نوبت: یکی از سنت‌های نانوشته‌ی رایج، ازدواج دختران به ترتیب اولویت سن است. یعنی تا زمانی که دختر بزرگ‌تر ازدواج نکرده، دختر کوچک‌تر حق ازدواج ندارد. حال اگر دختر بزرگ‌تر به دلایلی موفق به ازدواج نشود، سبب تاخیر در ازدواج خواهر کوچک‌تر از خود می‌گردد و چه بسا دوتای آن‌ها به تجرد قطعی برسند.

(کلثوم ۴۲ ساله، بی‌سواد، بیکار): من در سن ۲۰ سالگی خواستگارهای زیادی داشتم ولی اون موقع رسم این بود که اول دختر بزرگ خانواده باید ازدواج کنه یعنی دخترها به ترتیب سن باید ازدواج می‌کردند. پیش مردم خیلی زشت بود که دختر کوچک قبل از خواهر بزرگ‌ترش ازدواج کنه. خواهر بزرگم به هیچ وجه راضی نبود که من قبل از او ازدواج کنم و می‌گفت اگه این کار را انجام بدی خودمو می‌کشم. من هم مجبور بودم که دست رد به سینه تمام خواستگارا بزنم.

۷-۱-۲. داغ ننگ و داغ‌دیدگی: داغ ننگ و داغ‌دیدگی در این پژوهش، به برچسب نامناسب جامعه اطلاق می‌شود که به دلیل تابوشکنی یا ناهم‌خوانی ویژگی جسمی و رفتاری افراد به آن‌ها زده می‌شود و داغ‌دیدگی حالت روحی و روانی ناشی از داغ ننگ است که فرد را به سمت ناامیدی فرامی‌خواند. داغ ننگ می‌تواند برآیند زنانگی ناقص، جبر سرنوشت و خانواده نابسامان باشد. (شهین ۴۵ ساله، کارشناسی ارشد، بیکار): مجرد بودن یه دختر در محیط‌های کوچک سبب انگشت‌نما شدن او میشه. وقتی از سن ازدواجش میگذره، مردم جور دیگه‌ای نگاهش می‌کنن. مثل این که گناهی مرتکب شده.

۷-۱-۲-۱. زنانگی ناقص: زنانگی کامل و مؤکد در نظام ترجیحات جامعه معمولاً با سرمایه‌ی جنسی تعریف می‌شود. این سرمایه شامل زیبایی صورت و اندام زن و نیز سلامت اعضا و جوارح می‌باشد (بهیان و همکاران، ۱۳۹۴). نازیبا بودن زن - از منظر

خواستگاران - و نقص عضو (نظیر لنگیدن، لکنت زبان و ...) به عنوان داغ ننگ تلقی شده و یکی از پسران‌های مقبول واقع شدن دختر و به اصطلاح جوش خوردن خواستگاری می‌شود.

(نسا ۴۸ ساله، بیسواد، بیکار) این دور و زمونه اینقدر دختر خوشگل و خوش قیافه وجود دارد که کسی دیگه سراغ من نگیرد. (رقیه ۵۱ ساله، بیسواد، بیکار) متأسفانه پای چپم از کودکی کوتاه تر از پای راستم و باعث میشه که وقت راه رفتن بلندم. این عیب سبب شده که کسی سراغم نیاد چون مردها زن کامل می‌خواهند. (صدیقه ۴۹ ساله، بیسواد، بیکار): به خاطر این که لکنت زبان دارم کسی به خواستگاریم نیومد.

۷-۱-۲-۲. جبر سرنوشت: گاه جامعه بین دو حادثه یا رخداد منفک و مستقل از یکدیگر رابطه علی کاذب برقرار کرده و نتیجه‌ی دروغین را به قضاوت می‌نشیند و حکم صادر می‌کند. مثلاً در زمان تولد بچه‌ای، پدرش از دنیا می‌رود. از نظر عقلی بین این دو رخداد هیچ هبستگی منطقی وجود ندارد اما معرفت عامیانه مردم، تولد بچه را علت مرگ پدر دانسته و برچسب «سر خور» به بچه می‌زند و این برچسب در طول زندگی همراه آن فرد باقی خواهد ماند. گاه خانواده‌ها بر سر ازدواج دختر به توافق می‌رسند اما داماد آینده در اثر حادثه‌ای از بین می‌رود، در این وضعیت، عروس آینده، برچسب «بد یمن» و «بد قدم» و «قدم نحس» و نظایر آن می‌خورد و پس از آن کسی به خواستگاری آن دختر نمی‌آید زیرا از آن بیم دارد که مبدا نحوست دختر او را فرا بگیرد.

(زهرا ۴۲ ساله، بیکار، راهنمایی): چی بگم از بخت بدم ۲۰ سال پیش یه نامزد داشتم که متأسفانه توی رودخونه غرق شد بعد از اون حادثه هیچکی به خواستگاریم نیومد. می‌گفتن این دختر بد قدمه و هر کی اونو بگیره از بین میره. (مریم ۴۸ ساله، قالی‌باف، راهنمایی): یکی از پسرای فامیل نامزدم بود. یعنی اسممون را روی هم گذاشته بودند (از قبل برای هم در نظر گرفته بودند) اما بر اثر تصادف کشته شد و همه منو مقصر دانستن و دیگه کسی برای خواستگاریم پا پیش نداشت.

۷-۱-۲-۳. خانواده نابسامان: جدایی پدر و مادر از یکدیگر یا معتاد بودن یکی از اعضای خانواده نظیر پدر یا برادر، سابقه شرارت در خانواده و به طور کلی اشتهار به سوء خانواده در جامعه‌ای که اصل شناسایی در آن برقرار است و سرایت اجتماعی اخبار به دلیل کوچک و محدود بودن جامعه به سهولت و سرعت انجام می‌پذیرد، یکی از پسران‌های مهم ازدواج دختران در فرصت مناسب است.

(سوسن ۴۷ ساله، قالی‌باف، بیسواد): پدرم سال‌هاست که درگیر اعتیاده و به همین خاطر کسی حاضر نیست با دختر یه معتاد ازدواج کنه. (سعیده ۴۶ ساله، قالی‌باف، دیپلم): برادرم به خاطر یه درگیری یه مدت توی زندون بود بعد از آزادی به دلیل سوء پیشینه نتونست کار مناسبی پیدا کنه. این سوء سابقه باعث بدنامی خانواده شد و دیگه کسی به خواستگاریم نیومد

۷-۱-۳. ترجیحات آرمانی

ترجیحات آرمانی به سنخ‌های آرمانی دختران از همسر آینده و انتظار تحقق آن گفته می‌شود

۷-۱-۳-۱. در انتظار همسر آرمانی: در انتظار همسر آرمانی بودن به حالتی گفته می‌شود که دختران بر اساس آن تصویری ایده‌آل از همسر آینده خود ترسیم نموده و به دلیل عدم تطابق خواستگاران با ذهنیت ترسیم شده و شاخص‌هایی که ما به ازاء خارجی ندارند و به عبارتی دیگر فاقد ارجاعات برون متنی‌اند، فرصت ازدواج را در سن مقتضی از دست داده و زمانی به خود می‌آیند که سرمایه‌ی جنسی آنان رو به زوال رفته و میزان تقاضا برای آنان بسیار محدود شده است و حتی اگر تقاضایی وجود دارد از سوی مردانی است که یا قبلاً ازدواج کرده‌اند، یا صاحب فرزند و یا اختلاف سنی فاحش با دختر دارند و قس علی‌هذا.

(زینب ۴۶ ساله، بیکار، دیپلم): دوس داشتم که همسر آینده‌ام مثل یکی از هنرپیشیه‌ها، خواننده‌ها و یا ورزشکارها باشه. کسانی که به خواستگاری‌ام می‌اومدن تمام ویژگی‌ها را نداشتن. مثلاً فرد بلند قد بود اما موهای سرش ریخته بود یا این که قدش از من کوتاه‌تر بود یا قیافه‌اش به دلم نمی‌نشست و ازش خوشم نمی‌اومد. الان که دارم به گذشته نگا می‌کنم می‌بینم که بین اون‌ها، موارد خیلی خوبی بود که می‌تونستم در کنارشون خوشبخت بشم.

۷-۱-۳-۲. سودای خواستگار بهتر: خوب و بد کردن و به امید شوهر خوب‌تری بودن سبب از دست رفتن مجال انتخاب و بالا رفتن سن ازدواج دختران گشته است. (یاسمن ۴۵ ساله، مغازه‌دار، لیسانس): اینقدر خوب و بد کردم تا سنم بالا رفت و تمام فرصت‌های زندگی‌ام از دست رفت. کاش به اولین خواستگارم جواب مثبت می‌دادم، کاش.

۷-۲. شرایط زمینه‌ای^۱

مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای مستخرج از مصاحبه‌ها از این قرارند:

۷-۲-۱. پارادوکس شناخت

در محیط‌های کوچک و سنتی، غالب افراد یکدیگر را می‌شناسند و این شناخت هم می‌تواند وجه ایجابی داشته باشد و هم وجه سلبی. وجه ایجابی آن، اطمینان‌بخشی است. یعنی قرارگاه خانوادگی افراد و خلیقات آن‌ها به صورت کاملاً روشنی برای طرفین ازدواج مشخص است لذا تردیدها از بین رفته و تصمیم‌گیری با سهولت انجام می‌پذیرد. وجه سلبی شناخت نظیر تمثیل علم است که گاه حجاب اعظم می‌شود. یعنی آگاهی یافتن از پاره‌ای از ضعف‌ها که قابل چشم‌پوشی‌اند، مانع از دیده شدن بسیار از محاسن و محسنات افراد می‌گردد. آگاهی اندک طرفین ازدواج نیز موجبات تردید در تصمیم‌گیری و حتی انصراف از اقدام فراهم خواهد ساخت. (کژال ۳۹ ساله، بیکار، لیسانس): یکی دو بار خواستگار غیر فامیل داشتم و چون خانواده آن‌ها شناخت کافی نداشتند اون‌ها را رد کردن. (الهام ۴۰ ساله، بیکار، دیپلم): خواستگاری از روستای خودمون داشتم، پسر خیلی خوبی بود اما خانواده‌ام می‌گفتن که قبلن‌ها یه کار نادرست انجام داده به همین خاطر منو به او ندادن.

۷-۲-۲. ناهمسازی طبقاتی

ناهمسانی پایگاه اقتصادی خانواده‌ها از دیگر پسران‌های ازدواج به موقع دختران است. گاه پایگاه اقتصادی خانواده پسر پایین‌تر از خانواده دختر است که در این حالت به تقاضا پاسخ رد داده می‌شود. در حالتی که خانواده پسر متمول‌تر باشند، معمولاً درخواستی متوجه خانواده فقیر دختر نمی‌شود.

(مهمین ۴۶ ساله، قالی‌باف، راهنمایی): خواستگارهای زیادی داشتم اما بعضی از اون‌ها از نظر اقتصادی از خانواده‌ام پایین‌تر بودند و به همین خاطر خانواده‌ام به ازدواج با اون‌ها رضایت نمی‌دادند.

۷-۲-۳. همه چیز خواهی

همه چیز خواهی شامل ملاک‌ها و معیارهای همسرگزینی است که ممکن است در محل زندگی خواستگار ارجاع برون متنی و ما به ازای خارجی نداشته باشند. نظیر ایده‌ی زن تحصیل کرده، ایده‌ی زن شاغل و ایده زن شهری.

۷-۲-۳-۱. **ایده‌ی زن تحصیل کرده:** ازدواج با یک دختر درس خوانده از دیگر ترجیحاتی است که حتی در مناطق روستایی نیز موضوعیت یافته است و این در حالی است که ته‌نشست‌های برخی از باورهای سنتی و محدودیت‌های موجود مانع از ادامه تحصیل دختران شده است.

(سمیه ۴۴ ساله، خدماتی، راهنمایی): درسم را تا راهنمایی ادامه دادم و بعد از اون خانواده اجازه ادامه تحصیل بهم ندادن چون در روستای ما دبیرستان وجود نداشت. (نسرین ۵۰ ساله، قالی‌باف، ابتدایی): خانواده اعتقاد داشتن که دختر تا بزرگ شد باید شوهر کنه و به خونه شوهر بره به همین خاطر اجازه ادامه تحصیل به من ندادن و همین کم سوادی باعث شد کسی برای خواستگاری سراغم نیاد.

۷-۲-۳-۲. **ایده زن شاغل:** امروزه شاغل بودن زن از حالت تابو خارج شده و به عنوان یکی از ملاک‌های همسرگزینی تبدیل شده است. ملاکی که نظام ترجیحات افراد را تحت تأثیر خود قرار داده است. از سویی دیگر، شغل دولتی مستلزم داشتن مدارک تحصیلی معتبر و مورد نیاز و سایر ملاک‌هاست که برای بسیاری از دختران مجرد قابل دسترسی نباشد.

(شهین ۴۵ ساله، بیکار، ارشد): اگه یه شغل درست و حسابی داشتم قطعاً تا به حال ازدواج کرده بودم. (سهیلا ۴۱ ساله، خدماتی، لیسانس): خانواده اجازه ادامه تحصیل بهم ندادن و به همین خاطر توی هیچ آزمون استخدامی نتونستم شرکت کنم که حداقل شغلی برای خودم دست و پا کنم که از این وضعیت مجردی خودمو نجات بدم.

۷-۲-۳-۳. **ایده زن شهری:** یکی از مشکلات جامعه‌ی روستایی، ایده‌ی اختیار دختر شهری برای همسری است. این ایده سبب شده تا تقاضا برای دختران روستایی کمتر شده و پدیده‌ی تجرد را در روستا تقویت نماید.

(سمیرا ۴۱ ساله، بیکار، دیپلم): چند تا از فامیل‌هامون برای پسرانشان دختر از شهر گرفتن. با این که خودشون روستایی هستن اما دیدگاه خوبی نسبت به دختران روستایی ندارن و دختران شهری را امروزی‌تر می‌دونن.

۷-۲-۳-۴. **ایده‌ی زن متمول:** ازدواج با دختری از خانواده‌ای متمول در برگیرنده‌ی این دلالت است که نه تنها بار مشکلات اقتصادی خانواده عروس به دوش داماد نمی‌افتد که این خانواده می‌توانند در روزگار عسرت کمک‌کار داماد خود باشند. با وجود این انگاره، تمایل خواستگاران فقیر به دختران وابسته به طبقات کم درآمد کم خواهد شد. نابسامانی شرایط اقتصادی مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای در شکل‌گیری ایده‌ی اختیار زن متمول است.

(سهیلا ۴۱ ساله، خدماتی، لیسانس): یکی دوتا خواستگار داشتم که از لحاظ ثروت پایین‌تر از سطح خانواده ما بودند و جواب رد از پدرم شنیدن. (کوثر ۴۰ ساله، بیکار، دیپلم): خانواده ما انتظار دارن کسی هم سطحشون به خواستگاری بیاد و به بقیه افراد به دید رعیت نگاه می‌کنن. (سمیرا ۴۱ ساله، بیکار، دیپلم): چون از لحاظ اقتصادی فقیر هستیم معمولاً کسی در خانه ما را برای خواستگاری نمی‌زد. چون توی این دور و زومنه کی دختر از خانواده فقیر می‌گیره.

۷-۲-۵. **هراس‌های بازدارنده:** هراس‌های بازدارنده به ترس و بیم‌های گفته می‌شود که ریشه در مسئولیت‌گریزی و ترس از آینده دارد.

۷-۲-۵-۱. **مسئولیت‌گریزی:** ازدواج از نظر برخی از دختران، خداحافظی با دوران بی‌مسئولیتی خانه‌ی پدری و پذیرفتن بار مسئولیتی جدید است که محدود کننده‌ی بسیاری از آزادی‌های دوران مجردی است.

(یاسمن ۴۵ ساله، مغازه‌دار، لیسانس): با خودم فکر می‌کردم که توی خونه پدرم از شستن و جارو کردن و بقیه کارهای خونه تا حدود زیادی معافم و اگه ازدواج کنم بار مسئولیت به دوشم می‌افته و خیلی از آزادی‌ها مثل ور رفتن با تلفن همراه و خوابیدن تا لنگ ظهر را از دست میدم. تازه کی می‌تونه غُر زدن‌های مادر شوهر و خواهر شوهر را تحمل کنه اما بعداً فهمیدم که اشتباه کردم.

۲-۵-۲-۷. آینده هراسی: ابهام آینده و نیز مرور برخی از روایت‌های مربوط به تجربه زیسته ازدواج‌های ناکام از زبان دوستان و نزدیکان سبب ایجاد نوعی آینده هراسی در دختران شده که زمینه‌ساز عدم اقبال آنان از خواستگاران در فرصت مقرر شده است. (کژال ۳۹ ساله، بیکار، لیسانس): هر بار که به آرایشگاه میرم، بعضی از زن‌ها از شکستی که توی زندگی خوردن صحبت می‌کردن. شنیدن این حرف‌ها ترس از زندگی مشترک نیامده را توی دلم می‌ریخت. (سارا ۳۹ ساله، شاگرد مغازه، کاردانی): همیشه از این ترس داشتم که مبادا این خواستگار که اومده اونی نباشه که بتونه خوشبختم کنه.

۳-۷. شرایط مداخله‌ای

مهم‌ترین شرایط مداخله‌ای عبارتند از:

۱-۳-۷. مانع تراشی‌های اطرافیان

مانع تراشی‌ها شامل دخالت سلبی اطرافیان در فرایند خواستگاری است که به شیوه‌های مختلفی نظیر بدگویی، تحریک، لجبازی و اصرار بر تابوها خود را نشان داده و باعث منتفی شدن خواستگاری‌ها و بی‌نصیب ماندن دختران از رسیدن به بزرگترین آرمان زندگی‌شان که تشکیل کانون خانواده است می‌شود.

۱-۱-۳-۷. بدگویی: ضرب‌المثلی در بین مردم ایلام رواج دارد که برگردان آن این است: «اگر بدگو نباشد، دختران شل و کور نیز در خانه‌ی پدری نمی‌مانند» این ضرب‌المثل بیانگر ریشه‌ی تاریخی اثرات مخرب بدگویی در مجرد ماندن دختران است. امر دژکارکردی که تا لحظه‌ی اکنون نیز جاری و ساری است.

(مهمین ۴۶ ساله، قالی‌باف، راهنمایی): اینجا یه محیط کوچکه و همه همدیگرو می‌شناسن و اگه اختلافی بین دو خانواده یا دو فامیل وجود داشته باشه دامن دختر و می‌گیره. من خودم خواستگاری داشتم که به خاطر بدگویی زن‌های فامیلی که با آن‌ها اختلاف داشتیم از خواستگاری منصرف شد.

۲-۱-۳-۷. تحریک و تحریض: تحریکات شامل اعمال نظرهای غیرخیرخواهانه‌ای است که غایت آن‌ها سر نگرفتن خواستگاری‌ها و طولانی شدن مدت مجرد دختران است.

(سمیه ۴۴ ساله، خدماتی، راهنمایی): برای خواهر کوچک‌تر از خودم خواستگار خوبی اومد. یکی از دوستان تحریکم کرد که اگه خواهر کوچک‌ترت ازدواج کنه توی فامیل سرشکسته میشی و می‌گن حتماً عیبی داشته و از این حرف‌ها. منم خانواده را تهدید کردم که اگه خواهرم قبل از من ازدواج کنه خودمو می‌سوزنم. خلاصه نه من ازدواج کردم نه خواهرم و دوتامون مجرد مونديم.

۳-۱-۳-۷. لجبازی‌ها: لجبازی، شامل اصرار فرد بر موضع غیر عقلایی خود است. مصدر این کنش هم می‌تواند خود فرد باشد و هم اطرافیان او.

(نسرین ۵۰ ساله، قالی‌باف، ابتدایی): آن زمان که نوجوان بودم خیلی خواستگار داشتم ولی خانواده به هر بهانه‌ای سخت‌گیری کردن و خودم هم مقصر بودم. الان هم خواستگار دارم اما برادرم به خاطر لجبازی و تصاحب ارث و میراث مانع ازدواج شده. الان زمین دست برادرمه و تمام درآمدش را خودش می‌بره.

۷-۳-۱-۴. ناف‌بران: ناف‌بران یکی از باورهای سنتی است که تهنشست نظام خویشاوندی پدربار است. در این نظام، خویشاوندان پدر از اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به خویشاوندان مادر برخوردارند. بر همین اساس، پسر عمو (پسر برادر پدر) خود را «حق‌دار» دختر عمویش می‌داند. موارد زیادی پیش آمده که دختر با پسر عمویش هیچ سنخیت فرهنگی و شخصیتی نداشته اما پسر عمو که از سطح نازلی برخوردار است، اصرار بر ازدواج با دختر عمویش دارد. در این حالت، حق خواستگاری از دیگر خواستگاران سلب می‌شود.

(طاهره ۶۱ ساله، بیکار، بیسواد): از پسر عمویم اصلاً خوشم نمی‌ومد چون وصله ناجوری بود و می‌دونستم اگه با او ازدواج کنم سرنوشت تاریکی خواهم داشت. به همین خاطر از ازدواج با او خودداری کردم. اما او تمام خواستگارانم را تهدید می‌کرد و همه‌ی اون‌ها را پر داد. خدا ازش نگذره.

۷-۳-۱-۵. اختلافات خانوادگی: نزاع فامیلی یکی از شرایط مداخله‌ای است که سبب پاشیده شدن تخم دلخوری و کینه در بین خانواده‌ها می‌گردد و این امر سبب کم‌رنگ شدن تعاملات خویشاوندی و حتی قطع شدن آن‌ها می‌شود. ازدواج درون همسری راهبردی برای محکم کردن پیوندهای خویشاوندی در مواجهه با دیگران است. این نوع از همسرگزینی گاه وجه مبادله‌ای به خود گرفته و دختران وجه المصالحه آن می‌شوند.

(طاهره ۶۱ ساله، بیکار، بیسواد): اینجا معمولاً دختر به غیر فامیل نمیدن و از بخت بدم بین فامیل‌هامون سر مسایل بی‌ارزشی اختلاف ایجاد شده بود و این اختلاف به طول کشید و بخت من سیاه شد.

۷-۳-۲. ناکامی‌ها

ناکامی‌ها شامل تجارب تلخی است که گاه فرصت‌های زندگی را از افراد می‌گیرند و گاه مانع از تصمیم‌گیری عقلانی او می‌شوند. نظیر عشق‌های نافرجام و خواستگاران مستعمل.

۷-۳-۲-۱. عشق نافرجام: عشق در جوامع سنتی تابو است زیرا این گزینش فردی با اقتدار پدر در تعارض قرار می‌گیرد. و عاشق شدن دختر منجر به محرومیت او می‌شود.

(شهین ۴۵ ساله، بیکار، ارشد): من و یکی از پسرهای روستا عاشق هم بودیم و خانواده‌ام سخت منو توبیخ و تهدید کردن و گفتن با هر کسی می‌خای ازدواج کن جز این شخص. من و او به پای هم موندیم که شاید به هم برسیم اما نشد و وقتی به خودم اومدم که سن و سالی ازم گذشته بود.

۷-۳-۲-۲. خواستگار مستعمل: خواستگار دست اول به خواستگاران خوب و با کیفیت اطلاق می‌شود اما خواستگاران مستعمل و دست دوم شامل پیر پسر یا مردان قبلاً ازدواج کرده یا مردانی همسر مرده‌ای که دارای بچه‌اند و نظایر آن است. (کژال ۳۹ ساله، بیکار، لیسانس): از شانس خرابم هر کی به خواستگاریم می‌ومد یا زن مرده بود که بچه داشت یا پیر بود یا منو به عنوان همسر دوم می‌خواست.

۷-۴. راهبردها (عمل، تعامل‌ها، فرایندها)^۱

راهبردهای اطلاع‌رسان‌ها در مواجهه با پدیده تجرد قطعی عبارتند از:

۷-۴-۱. تحمل و سکوت (فریاد بی‌صدا)

«باوان» (bâvân) در کردی ایلامی به معنی منزل پدری است. اصطلاح «ده باوان مهنه» (da bâvân mana) به معنی «در خانه‌ی پدر مانده و ازدواج نکرده» و «پیر دختر» است. سکوت «در باوان مانده‌ها» به معنی متداول رضایت نیست، فریاد خاموشی است که چون دست غریق از پهنه‌ی دریا بیرون زده است. سکوت، فریاد درماندگی دخترانی است که راه فراری برای خود نمی‌یابند و جز پذیرش وضع موجود که توأم با تحقیر و طعنه است، راه دیگری نمی‌یابند.

(نسا ۴۸ ساله، بیکار، بیسواد): من ۴۸ سال دارم و پیش مادرم و برادرم و زن برادرم زندگی می‌کنم. زندگی خیلی سختی دارم پر از بدبختی و بیچارگی. باید در مقابل همه کس و همه چیز سکوت کنی، به‌خصوص وقتی خواهرهای کوچک‌تر ازدواج کرده باشن و الان بچه‌های اون‌ها هم در حال ازدواج‌ان. بچه‌هایی که توی دامن تو بزرگ شدن. یه جورایی اذیت میشی و احساس ضعف می‌کنی. احساس کمبود نسبت به بقیه. زن برادرم هم من و هم مادرم را خیلی اذیت می‌کنه. فکر می‌کنه چون مجرد موندم باید نوکریشو بکنم و هر چی بگه قبول کنم. وقتی روی حرفش حرف بزنیم، میره بدگویی ما را پیش برادرم می‌کنه و چند دروغ هم سرهم می‌کنه تا برادرم را نسبت به من و مادرم بدبین کنه. برادرم اعتیاد داره و اعصاب نداره و یه بار تا سرحد مرگ منو زد و تا چند روز نتونستم از جام تگون بخورم. مجبوریم سکوت کنیم. مادرم پیر و از کار افتاده است و خودم هم هیچ مهارتی ندارم و می‌ترسم که از خونه بیرونم کنن. سکوت، برای دختران مجرد، کم‌هزینه‌ترین پاسخ است. زیرا برخی از افراد خواستار ایجاد فضایی چالشی جهت توهین و تحقیر این دختران‌اند و اعتراض دختران، زمینه‌بخش حدوث این چالش خواهد بود. لذا سکوت، راهبردی مسالمت‌آمیز برای گریز از بحران است.

۷-۴-۲. مرگ‌اندیشی

دختران مجرد گاه با خود می‌اندیشند که استمرار این زندگی پر از رنج و محنت برای آنان بسیار دشوار خواهد بود لذا گاه به فکر مرگ می‌افتند و روزی چند بار، طناب دارشان را در ذهن می‌یافتند.

(نسا ۴۸ ساله، بیکار، بیسواد): وقتی به سرنوشت خودم فکر می‌کنم و این که چه آینده تاریک و تار دارم، تحمل وضعیت برام خیلی مشکل میشه و با خودم فکر می‌کنم بهتره که خودمو برای همیشه خلاص کنم اما باز فکر می‌کنم من که توی این دنیا عاقبت به خیر نشدم حداقل آخرتمو نسوزونم.

۷-۴-۳. انتخاب از سر اضطرار

انتخاب از سر اضطرار به معنی پذیرش هر وضعیت ممکن بر اثر یأس و ناامیدی است. حالتی که فرد گزینه‌هایی برای انتخاب در پیش‌روی خود نمی‌بیند. فرد مستأصل برای رهایی از بن‌بستی که در آن قرار گرفته است به هر وضعیتی تن در می‌دهد زیرا تنها راه نجات خویش را در آن می‌جوید. گاه این وضعیت، تن به هر خواستگار دادن است و گاه منصرف شدن قطعی از ازدواج.

(سوسن ۴۷ ساله، قالی‌باف، بیسواد): هر روز که از خواب بیدار میشم چشمم به دره که کاش یکی بیاد خواستگاریم. دیگه برام فرقی نداره که سن و سالش چقدره یا از نظر قیافه چه شکلیه یا قبلاً زن داشته یا هر مشکل دیگه‌ای که داشته. فقط این برام مهمه که منو از این حالت سر در گمی و سرباز خانواده بودن نجات بده. (زن ساله) کلاً تصمیم گرفتم که قید ازدواجو بزنم و هر کی بیاد دیگه قبول نکنم. ۴۷ سال دارم دیگه ازدواج برای چیمه. مگه چند سال دیگه میخام زنده بمونم.

۷-۴-۴. ارتباط با جنس مخالف

دامنه‌ی این ارتباط از مکالمات تلفنی و مراودات مجازی تا مراودات حقیقی است. مراوداتی که در پوششی از شرع انجام می‌پذیرد. این مراودات برای دختران نه به قصد التذاذ که برای یافتن گریزگاهی از تنگنای تجرد و مصائب آن انجام می‌پذیرد و غالباً با ناکامی مواجه می‌شوند. چون طرف مقابل، بیشتر در فکر کامجویی است تا رابطه انسانی و عاطفی.

(سعیده ۴۶ ساله، مغازه‌دار، دیپلم): یه روز توی مغازه بودم و یه پسر اومد و گفت مدتی هست که تو را زیر نظر دارم و تو دختر خوبی هستی اگه اجازه میدی مدتی با هم باشیم که بیشتر با هم آشنا بشیم و در صورت تفاهم با هم ازدواج کنیم. یه مدت با هم رابطه تلفنی داشتیم و به او علاقمند شدم. بعدها پیشنهاد بد بهم داد و من هم با او کات کردم. تقریباً بیست روز از این ماجرا گذشت و یه پسر دیگه اومد و همون حکایت تکرار شد و کات کردم. مدتی بعد با کمال تعجب دیدم نفر اول و دوم با هم به مغازه ام آمدند و منو تهدید کردن که ازم مدرک دارن و باید به خواسته شون تن بدم منم عصبانی شدم و اونا را تهدید به خودکشی کردم. خوشبختانه ترسیدند و رفتند.

(پروین ۴۸ ساله مغازه‌دار، راهنمایی): یه مردی اهل استانی دیگه اومد خواستگاری ام و بهش جواب مثبت دادم. با او به شهرشون رفتم و فهمیدم که زن و بچه داره و منو گول زده. به شهرمون برگشتم اما خانواده طردم کردن و گفتند که أبرمون را پیش مردم بردی.

۷-۴-۵. پناه بردن به رمالی (فلک مداری و فلک ستیزی)

گاهی فرد دست به دامن عوامل فرامادی می‌شود که هم از سرنوشت و طالع خود مطلع شده و هم تلاشی برای تغییر آن انجام دهد لذا سراغ رمال‌ها و کفبین‌ها می‌رود.

(الهام ۴۰ ساله، بیکار، دیپلم): از وضعیت موجود خسته شدم، یه انگشتر طلا داشتم اونو فروختم و رفتم پیش یه زن رمال و دعا نویس و ازش خواستم که برام دعایی بنویسه که بختم وا شه. اما اوضاع هیچ تغییری نکرد. فقط دلم خوش بود که ممکنه این دعا یه روز اثر کنه.

۷-۴-۶. مدیریت بدن

یکی از علل ناکامی دختران در ازدواج، ضعف سرمایه جنسی از نوع کالبدی آن است. آنان برای کسب زیبایی به منظور جلب خواستگار و ترمیم خودپنداره، در صدد اقدام به انجام انواع جراحی‌های زیبایی هستند. البته این جراحی‌ها در ارتباط با وضعیت سرمایه اقتصادی افراد نیز می‌باشد.

(یاسمن ۴۵ ساله، مغازه‌دار، لیسانس): تنها امیدی که دارم اینه که مقداری پول جمع کنم و جراحی زیبایی انجام بدم تا شاید خواستگاری برام پیدا بشه و حتی اگه پیدا نشد حداقل بتونم با اعتماد به نفس داخل جامعه زندگی کنم.

۷-۴-۷. فراغت گرایی (تغافل و التجا)

افراد برای رهایی از نگاه سنگین جامعه و فرار از تشویش ذهنی و هجوم افکار ناامیدانه، تلاش می‌کنند که به هر نحوی خود را مشغول نمایند، نظیر: مناسک گرایی، پرسه زنی و رسانه پناهی.

۷-۴-۷-۱. مناسک گرایی و خیرطلبی: مناسک گرایی نوعی گردشگری مذهبی در مساجد و بقاع متبرکه و خواندن قرآن و

دعا و راز و نیاز است. که علاوه بر کارکرد آشکار آن که حاجت روا شدن است دارای کارکرد پنهان فراغت‌ستیزی نیز می‌باشد. (رقیه ۵۱ ساله، بیکار، بیسواد): برای مدیریت دوران مجردی میرم پایگاه‌های بسیج مساجد و کارهای مذهبی انجام میدم. بیشتر اوقات سفرهای مذهبی میرم. هر ساله اعتکاف رو انجام میدم. قرآن می‌خونم و خودمو دست سرنوشت دادم. (سمیه ۴۴ ساله، خدماتی، راهنمایی): بیشتر وقتم را برای خدمت در یکی از مؤسسات خیریه صرف می‌کنم.

۷-۴-۷-۲. پرسه زنی (وقت گشتی): پرسه زنی شامل بازارگردی، سر زدن به خانه اقوام و دوستان، کوچه‌نشینی و نظایر آن

می‌باشد که فرد برای تمرکز زدایی به آن‌ها التجا می‌برد. (طاهره ۶۱ ساله، بیکار، بیسواد): برای سرگرم کردن خودم دوک می‌ریسم و نخ‌ها را تاب می‌دهم و به افرادی که نیاز دارن میدم. گاهی اوقات هم با زنان محله توی کوچه می‌شینم. گاهی هم به منزل اقوامی که منو درک می‌کنن سر می‌زنم.

۷-۴-۷-۳. رسانه پناهی: رسانه پناهی شامل التجا بردن به انواع رسانه‌های مجازی و حقیقی برای پُر کردن اوقات فراغت

است. نظیر تماشای تلویزیون، مطالعه مجله، وب گردی.

۷-۴-۸. خوداتکایی: یکی از مواردی که سبب انقیاد و سرسپردگی دختران مجرد و سکوت آنان در برابر هر گونه تحقیر و

توهین اطرافیان می‌شود، عدم استغنائی مالی است. آنان برای رهایی از این وضعیت و تبدیل خود از فردی طفیلی به شخصی مستقل که می‌تواند روی پای خود بایستاد، در راستای ایجاد کسب و کار برای یافتن ممری جهت درآمد تلاش می‌نمایند.

(کوثر ۴۰ ساله، بیکار، دیپلم): توی کلاس‌های خیاطی و گلدوزی ثبت نام کردم که این مهارتو یادگیرم و برای خودم کسب و کاری راه بندازم. (یاسمن ۴۵ ساله، مغازه‌دار، لیسانس): یه وام گرفتم و یه مغازه کوچک لباس فروشی زدم و الحمدلله درآمد به خور و نمیری دارم. بعضی وقت‌ها که پیرزن‌های مشتری که ازم تخفیف زیادی می‌خان و من قبول نمی‌کنم بهم طعنه می‌زنن و میگن همین سخت‌گیری‌ها را کردی که شوهر گیت نیومد و این حرفشون خیلی اذیتم می‌کنه. (سوسن ۴۷ ساله، قالی‌باف، بیسواد): توی خونه دار قالی زدم و قالی می‌بافم. کار خوبیه چون هم مشغول میشم و دردهام یادم میره و هم کسب درآمد می‌کنم.

۷-۴-۹. جلب رضایت دیگران: گاهی فرد برای مفید نشان دادن خود تلاش می‌کند که در انجام امور منزل نظیر رفت و

روب و نگهداری از کودکان و سالمندان و نیز فعالیت‌های کشاورزی، حضور داشته تا به عنوان فرد مفیدی در خانواده جلوه کند و از طرد شدگی رهایی یابد. اما در بسیاری از موارد، این فعالیت‌ها به عنوان وظیفه ذاتی فرد تلقی می‌گردند.

(نسا ۴۸ ساله، بیکار، بیسواد): من با برادرم زندگی می‌کنم و زن برادرم به چشم یه نون‌خور اضافی بهم نگاه می‌کنه. اما من همیشه تلاش کردم که توی تمام کارها بهشون کمک کنم حتی توی کارهای کشاورزی. بماند این که در بیشتر وقت‌ها انجام این کارها را جزء وظایفم می‌دونن.

۷-۴-۱۰. ایجاد گروه همدرد (درد مشترک): گروه همدرد شامل کسانی است که دارای اندوهی مشترک‌اند نظیر گروه

بیماران سرطانی، گروه معلولان. این گروه درد یکدیگر را به خوبی درک کرده و دارای فضاهای میان ذهنی مشترکی هستند. قرار گرفتن در این گروه و گوش دادن به درد دل‌ها و نیز تبادل تجارب و اطلاعات سبب تخفیف اندوه و نیز گشایش در کارها می‌شود.

(یاسمن ۴۵ ساله، مغازه‌دار، لیسانس): یه گروه توی فضای مجازی زدیم که شامل دخترهاییه که از سن ازدواجشون گذشته. اونجا خیلی احساس راحتی و سبکی می‌کنم چون خبری از طعنه شنیدن نیست. به درد دل‌های همدیگه گوش میدیم و راهکار میدیم، جوک می‌گیم و مطالب خوب را به اشتراک می‌زاریم.

۷-۵. پیامدها: مهم‌ترین پیامدهای مورد نظر اطلاع‌رسان‌ها شامل موارد زیر است:

۷-۵-۱. استیصال: استیصال به معنی درماندگی از تغییر وضع موجود است. حالتی است که هرگونه چاره‌اندیشی را از فرد سلب می‌کند و به پیامدهای دیگری مثل تألمات روحی و روانی نظیر، افسردگی، انزوایی، بی‌قراری، دلتنگی، ناامیدی و پرخاشگری منجر می‌شود.

(مریم ۴۸ ساله، قالی‌باف، راهنمایی): هر چی زمان می‌گذره ناراحتی‌هام بیشتر میشه. احساس می‌کنم به آخر خط رسیدم و این حالت منو افسرده کرده. تحمل نگاه تلخ اطرافیان را ندارم به همین خاطر سعی می‌کنم جلو دیدشون قرار نگیرم. (سارا ۳۹ ساله، شاگرد مغازه، کاردانی): خیلی اوقات دلتنگ خودم میشم و به حال خودم گریه میکنم و به زمین و زمان نفرین می‌فرستم.

۷-۵-۲. تردید و اعتراض: تردید اعتقادی به معنی شک در عدالت خداوندی است.

(پروین ۴۸ ساله، مغازه‌دار، راهنمایی): با این که نماز می‌خونم و مسجد میرم اما بیشتر اوقات به عدالت خدا شک می‌کنم که اگه همه امور دست اونیه چرا سرنوشت منو این‌جوری نوشت.

۷-۵-۳. پذیرش و جبران: پذیرش وضعیت موجود، پیامد ایجابی راهبردهای اطلاع‌رسان‌هست. برخی از آنان با ایجاد فرصت‌های شغلی برای خود، در راستای تمکن مالی تلاش کرده و هویت شغلی خود را جایگزین هویت مخدوش زنانگی از دست رفته می‌کنند. برخی دیگر نیز تجرد به عنوان بخشی از زندگی خود پذیرفته‌اند، نظیر معلولی که نقص عضو را به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر پذیرفته است.

(یاسمن ۴۵ ساله، مغازه‌دار، لیسانس): الان که دستم تو جیب خودمه، دیگه نیاز چندانی به دیگران ندارم و اموراتم را می‌گذرونم. همه چی که ازدواج نیست. خلاصه زندگی مجردی هم یه نوع زندگیه و باید اونو پذیرفت.

۷-۵-۴. هویت مخدوش: یکی از پیامدهای عدم مدیریت دوران تجرد، بی‌زاری از هویت زنانه است. البته منشاء این بی‌زاری اختلالات هویتی نظیر ترنس بودن نیست بلکه فشارهای محیطی و محدودیت‌های موجود بر سر راه دختران آنان را به این امر باورمند کرده که ای کاش پسر زاده می‌شدند تا از آزادی بیشتری در زندگی برخوردار می‌گشتند.

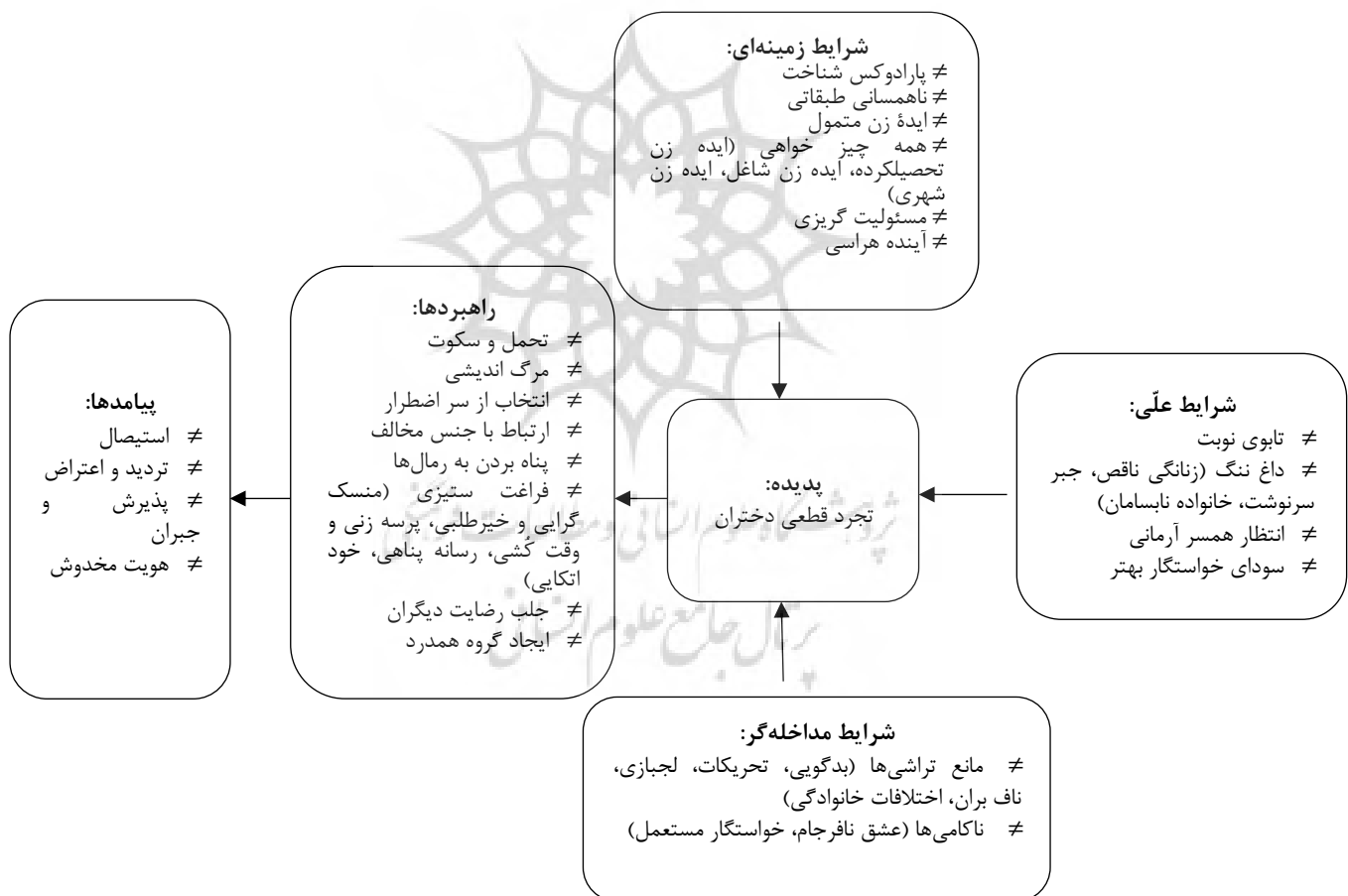
(نسرین ۵۰ ساله، قالی‌باف، ابتدایی): پسرها آزادی عمل بیشتری دارن. هر وقت دوس داشته باشن از خونه بیرون میزنن و هر وقت دوس داشتن به خونه بر می‌گردن. هر کسی را دوس داشته باشن انتخاب کرده و به خواستگاریش میرن یا اونو به عنوان دوست انتخاب می‌کنن اما ما دخترها بدبختیم و ای کاش یه پسر بودم. ما باید منتظر بمونیم که یکی بیاد خواستگاریمون. خانواده هم تمام رفتارهای ما را زیر نظر داره و هی به ما تذکر میدن.

۷-۶. مقوله هسته‌ای: مقوله هسته‌ای^۱ این پژوهش «تجرد قطعی به مثابه تلخی بی‌پایان» است. دوران تجرد قطعی برای دختران سرشار از دلالت‌های معنایی اندوهبار و واکنش‌های نامناسب اطرافیان است که زندگی را برای دختران به کابوسی بلند و تلخ مبدل ساخته است. دلالت معنایی مجردی برای دختران: تجرد به مثابه گم‌اشتی و نوکری، زندگی به مثابه ساعت شنی و شمارش

1. Consequence

2 core category

معکوس عمر باقیمانده است. مجرد به معنی احساس ذلت، خودکم بینی، خودپندارهٔ منفی و سرخوردگی است. دوران مجرد قطعی برای آنان به منزلهٔ زندگی سرشار از نظارت و محدودیت، لبریز از طعنه و سرزنش و تخفیف و مملو از ترس و تنهایی است. دوران مجرد قطعی دختران از منظر اطرافیان، نوعی داغ ننگ است. مجرد، ظرفیت برچسب‌خوری دختران را افزایش می‌دهد. نگاه جامعه به دختران مجرد معنادار، طعنه‌آمیز و گاه توأم با ترحم است. کلیشه‌های گفتاری و تصورات قالبی الگوهای رایج زبانی اطرافیان نسبت به دختران است. نظارت شدید جامعه، حرکات و سکنات دختران مجرد را رصد کرده و برای هر کدام از آن‌ها دلالت معنایی سلبی ارائه می‌دهد و چنین عواملی، زندگی را در کام دختران مجرد تلخ ساخته است. ازدواج برای دختران مجرد رؤیایی دست نیافتنی است. ازدواج برای آنان به مثابهٔ زنانگی کامل است. دلالت معنایی ازدواج به منزلهٔ آرامش در زندگی، زایل شدن دغدغه‌های فکری، کسب حمایت و پشتوانه و تنها راه خوشبختی است. ازدواج تأمین کننده امنیت وجودی و بدنی و عامل ارتقاء منزلت آنان است.



شکل ۱. مدل پارادایمی پدیده مجرد قطعی دختران

۸. خط داستان

زندگی دختران مجرد در مسیر عادی خود بود و اولین زنگ خطر را زمانی شنیدند که احساس نمودند سن آن‌ها در حال افزایش است و افراد کم سن و سال‌تر از آنان در شرف ازدواج‌اند یا ازدواج نموده‌اند. وقتی به خودشان آمدند که کار از کار گذشته بود و سرمایه جوانی آنان در حال زوال بود و این آغاز روایت تلخ دختران مجردی است که به دوران مجرد قطعی رسیده‌اند.

دخترانی که یا با پدر و مادر پیر خود زندگی می‌کنند یا فقدان پدر و مادر، آنان را به زندگی با برادر یا سایر بستگان درجه یک گسیل داشته است و / یا چون نسیم هماره ایام آشیان به دوش‌اند و از منزلی به منزل دیگر نقل مکان می‌کنند. آنان در محیط خانواده احساس انقیاد دارند. دیگران به دیده سربار به آن‌ها می‌نگرند و خشونت‌های کلامی و گاه فیزیکی را ارزانی‌شان می‌سازند. علایق و سلايق این دختران برای اطرافیان، محلی از اعراب ندارد.

پدیده مجرد قطعی دختران، روایت غمگینی است که عوامل مختلفی دست به دست هم داده و آن را رقم زده‌اند. عواملی که گاه علی‌اند و گاه زمینه‌ساز و گاه مداخله‌جو. شرایط علی، به صورت مستقیم در ظهور این پدیده ایفای نقش نموده‌اند. تابوی نوبت، ازدواج دختران را بر اساس اولویت سنی نوبت‌بندی کرده است و سنگ بزرگی بر سر راه آنان نهاده است. داغ ننگ و داغ‌دیدگی، برآیند برچسب‌زنی جامعه‌ای است که زنانگی کامل را در ازدواج دختر و بهره‌گیری او از سرمایه جنسی می‌داند و این سرمایه در زیبایی و عدم نقص عضو او نمود یافته و هرگونه کم‌بهره‌گی دختران از این سرمایه، آنان را مستحق داغ‌دیدگی می‌کند. باورهای سنتی و خرافه‌ای نظیر اعتقاد به بدقدم بودن دختران و نیز اشتهار به سوء خانواده‌های آنان، بر این داغ‌دیدگی افزوده است و سرنوشت داغ‌دیدگان را به طرد اجتماعی پیوند زده است. انتظار خواستگار ایده‌آل، نوعی ترسیم سنخ آرمانی دست‌نیافتنی از همسر آینده است که فاقد ارجاع برون متنی است و چنین تصویری سبب پاسخ رد به خواستگاران شده که رسیدن به هر کدام از آنان اکنون رویای دست‌نیافتنی دختران مجرد است. تمامی این موارد سبب شده‌اند تا دختران مجرد باقی بمانند و دوران مجرد برای آنان تلخی بی پایان گردد.

۹. نتیجه‌گیری

مدل پارادایمی پژوهش متشکل از ابعاد مختلفی است که ترسیم‌کننده پدیده مورد مطالعه‌اند. در مجرد قطعی دختران شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای متعددی نقش داشته‌اند که سبب پدید آمدن راهبردهای و پیامدهای منتج از آن‌ها گشته‌اند.

شرایط علی مجرد قطعی دختران شامل مقوله‌هایی نظیر تابوی نوبت، داغ‌ننگ و ترجیحات آرمانی است. تابوی نوبت مربوط به استیلای ارزش‌های سنتی بر ایستارهای والدین است که ازدواج دختر کوچکتر را پیش از ازدواج خواهر بزرگترش را بر نمی‌تابد. ترجیحات آرمانی در هیئت انتظار همسر آرمانی و سودای خواستگار بهتر نیز ریشه در نظام ترجیحاتی دارد فرصت‌گزینشگری در لحظه حال را به امید شانس‌های بهتر در آینده‌ای مبهم واگذار می‌کند. برخی از شرایط علی پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های مشابه سخیت دارد نظیر: نفی روایت‌های پیشین از نقش همسری، انباشت موانع ذهنی کاذب، کلیشه‌های رایج تعریف‌کننده همسر خوب (عباس‌زاده و نیکدل، ۱۳۹۵). هویت ناقص و هویت جنسیتی تحقق نیافته (حسینی و ایزدی، ۱۳۹۵) نگاه آرمان‌گرایانه دختران به ازدواج (چابکی، ۱۳۹۵). داغ ننگ و داغ‌دیدگی (قانع عزآبادی، ۱۳۹۲). داغ ننگ برای دختران مجرد قطعی توأم با طردشدگی اجتماعی است زیرا «داغ ننگ شامل خصوصیتی است که فرد یا گروهی را از اکثریت جامعه جدا می‌کند و در نتیجه با این فرد یا گروه با بدگمانی و دشمنی رفتار می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۳۴).

پارادوکس شناخت، نخستین مورد از شرایط زمینه‌ساز تجرد قطعی دختران است. هم شناخت اندک طرفین خانواده دختر و پسر از یکدیگر در جامعه سنتی سبب ایجاد ابهام و تشویش و نهایتاً مانع ازدواج است و هم شناخت زیاد از زیر و بم زندگی یکدیگر تردید افکن است. ناهمسانی طبقاتی خانواده‌ها یکی دیگر از موانع زمینه‌ساز تجرد قطعی است. هر چند که در این میان، تمایل ازدواج پسران طبقات متوسط با دختران طبقات ثروتمند در راستای تحقق ایده داشتن زن متمول فراوان است، زیرا خانواده این زن در روزگار عسرت اقتصادی می‌تواند کمک خرج داماد گردد. پسران این روزگار، افرادی همه‌چیزخواه شده‌اند که خواستار اتصاف همسر آینده خود به تمام صفات ایده‌آل نظیر تحصیلات عالی، شاغل و شهری بودن‌اند و دختران روستا غالباً فاقد این صفاتند و این امر، میزان تقاضا را برای آنان فروکاسته است. هراس از مسئولیت‌پذیری و ترس از زایل شدن آزادی‌های دوران تجرد در کنار آینده هراسی و خوب و بد کردن در انتخاب، از دیگر شرایطی هستند که زمینه ساز تجرد قطعی دختران گشته‌اند. این نتایج با یافته‌های پژوهشی مداحی و همکاران، ۱۴۰۰ و زارع و همکاران، ۱۳۹۹ هم‌سو می‌باشند.

شرایط مداخله‌گر پدیده تجرد قطعی دختران شامل سنگ‌اندازی‌های دیگران و ناکامی‌های شخصی است. سنگ‌اندازی‌ها حاصل مداخله سلبی اطرافیان در امر ازدواج دختران است، که به صورت بدگویی، تحریک و تحریض، لجبازی و اصرار خانواده‌ها بر موضع خود، اعتقاد به سنت‌هایی چون ناف‌بران و اختلافات خانوادگی نمود یافته‌اند. ناکامی‌ها، برآیند عشق‌های نافرجامی است که فرد را بر آن عهد که بسته کماکان باقی گذاشته و جز حسرت و اندوه چیزی برای او به جای نگذاشته‌اند. خواستگاران مستعمل، نظیر پیرپسرها و مردان همسر مرده و بچه دار، بر حسرت ناکامی دختران مجرد افزوده‌اند هر چند که برخی از دختران به این موارد نیز رضایت داده و آنان را گریزگاهی برای نجات از بحران می‌دانند. یافته دخالت اطرافیان با یافته تنش‌های ناشی از کنترل‌ها و دخالت‌های نابجای اعضای خانواده، (افضلی گروه و همکاران ۱۳۹۹) هم‌سو است.

مهم‌ترین راهبردهای دختران مجرد در رویارویی با پدیده تجرد متنوع است. آنان گاه سکوتی سرشار از ناگفته‌ها دارند. سکوتی که کم هزینه‌ترین پاسخ به جامعه‌ای است که اعتراض آنان را طلب می‌کند تا فرصتی برای حمله بیابد. گاه به مرگ می‌اندیشند و آن را گریزگاه خود می‌بینند. زمانی در انتظار قدوم هر خواستگار نالایی هستند که سوار رهایی بخش‌شان گردد. در بعضی از مواقع ارتباط با جنس مخالف را به قصد آشنایی و ازدواج پیشه خود می‌سازند که غالباً به انتظار کامجویی مردان بی مسئولیت منتهی می‌شود. گاهی به رمالی و کف بینی پناه می‌برند و زمانی به عمل‌های زیبایی تن می‌دهند تا بر سرمایه جنسی خود بیفزایند. پُرکردن اوقات فراغت از طریق التجا به مناسک‌گرایی، پرسه‌زنی و وقت‌کشی از دیگر راهبردهای آنان است. پناه بردن به رسانه‌های حقیقی و مجازی، ایجاد گروه‌های هم‌درد، تلاش برای استقلال مالی و معیشتی و جلب نظر اطرافیان از طریق انجام کارهای مختلف منزل، راهبردهای دیگری برای نجات از وضعیت نامطلوبی هستند که در آن قرار گرفته‌اند.

تعدادی از راهبردهای این پژوهش با راهبردهایی نظیر: مکان‌های مذهبی به مثابه پناهگاه، سیاست حضور و روی آوردن به مشاغل زنانه، بازاندیشی و مجازی شدن روابط، تقدیر گرایی (قادر زاده و همکاران، عباس‌زاده و نیکدل، ۱۳۹۵). ورود به روابط ناخواسته و ازدواج‌های اجباری، گرفتار شدن در روابط بدون تعهد، ایجاد روابط خارج از زناشویی (افضلی گروه و همکاران، ۱۳۹۹) مطابقت دارند. سکوت دختران در برابر مشکلات، امنیت وجودی آنان را مخدوش نموده است. زیرا این امنیت در پی یافتن پاسخ‌هایی به بحران‌های پیش روست. بحران‌هایی که دختران پاسخی جز تحمل و سکوت برای آن‌ها نیافته‌اند.

مهم‌ترین پیامدهای راهبردهای اتخاذ شده، استیصال و درماندگی، تردید در عدالت خداوند و اعتراض به آن، پذیرش تجرد به عنوان واقعیتی انکارناپذیر یا تلاش برای ترمیم زنانگی ناقص از طریق تمکّن مالی می‌باشند. بی‌زاری از هویت جنسی خود به دلیل محدودیت‌هایی که جامعه برای دختران در نظر گرفته از دیگر پیامدهایی است که دختران مجرد را به توصیه‌گرانی تبدیل ساخته که

در مقام ناصح، دختران در سن ازدواج را به موقعیت سنجی، خانواده‌ها را به آسان‌گیری و درک دنیای پرانده دختران مجرد، جامعه را به هم‌ذات‌پنداری با دختران مجرد و دولتمردان را به سیاست‌گذاری جهت بهبود وضعیت این دختران فراخوانده‌اند. نظیر برخی از این پیامدها را می‌توان در یافته تحقیقات هم‌سو مشاهده نمود نظیر: احساس ناکامی و نیاز به حمایت دولتی، حسرت مادر شدن، احساس تنهایی، دغدغه ناباروری، احساس نیاز به تکیه‌گاه و حمایت‌کننده، ندامت و پشیمانی، احساس سربار بودن، احساس ناامنی و ترس از مورد سوءاستفاده قرار گرفتن، احساس نگرانی و ناامیدی نسبت به آینده، بی‌تفاوتی نسبت به ازدواج، استرس و فشار روانی، گوشه‌گیری و قطع ارتباط با اطرافیان، برچسب‌ها و سرزنش‌های اجتماعی، سرزنش اعضای خانواده، مسئولیت مراقبت از والدین پیر (افضلی گروه و همکاران، ۱۳۹۹) محدودیت‌های پذیرفته شده، خشونت روانی، انزوای مضاعف، آینده مبهم و احساس سرباری و ابژه‌های حقارت (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶)، اضطراب سن و اضطراب زمان، احساس فقدان / مواجهه با موقعیت‌های از دست رفته، جایگزینی کنش‌گری، حسابگرانه با کنش‌گری (عباس‌زاده و نیکدل، ۱۳۹۵)

پدیدهٔ تجرد قطعی دختران که برآیند نقصان سرمایهٔ جنسی و فروکاهش زنانگی مؤکد و عوامل دیگر است سبب برچسب خوردن دختران و داغ‌دیدگی آنان شده است و این داغ ننگ به طرد اجتماعی‌شان منجر شده است. طردی که امنیت وجودی‌شان را به خطر انداخته است.

۱۰. بحث

خانواده در دورهٔ جدید نظیر سایر نهادهای اجتماعی متأثر از تحولات دوران مدرنیته است. «مدرنیته» به تجربه زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیباشناختی و فکری گفته می‌شود که متضمن عقلانیت اداری و اقتصادی و تمایز و تفکیک جهان اجتماعی است (گینز، ۱۳۸۱: ۲۹). این تمایز و تفکیک به تغییرات اساسی در سبک زندگی منجر گشته است. «از نظر آدلر، در کنار ریشه‌های فردی، سبک زندگی، آفریننده مجموعه‌ای از رفتارهای ویژه است، رفتارهایی ناشی از تفکر، هیجانات، عواطف و... که بازتاب هویت فرد است» (خادمیان، ۱۳۸۷: ۱۶). این رفتارهای ویژه بر ترجیحات و نظام گزینشگری افراد و نیز ایستارهای آنان تأثیر نهاده و باعث ایجاد تغییراتی در مرتبط‌ترین نهاد با سبک زندگی که همانا خانواده است گشته است.

خانواده با وجود اینکه یکی از نهادهای اجتماعی کهن است، ولی در گذر زمان دچار تغییرات اساسی شده است. این تغییرات در دوره جدید بیشتر تحت تأثیر شرایط ملی و جهانی صورت گرفته است. تغییر خانواده از ساختار سنتی با وجود کارکردهای متعدد هنوز هم محلی برای تربیت فرد جدید است. با وجود این، در نظر بعضی از افراد، خانواده ایرانی، مشکلات و مسایلی نیز دارد. یکی از اصلی‌ترین مشکلات خانواده ایرانی، تلاش نسل‌های گذشته در بقای کارکردهای سنتی است در حالی که یکی از گرایش‌های درونی خانواده تقلیل سهم و نقش آن در مقابل تقویت نهادهای اجتماعی دیگر است. در دوره جدید خانواده بار حمایت افراد و نسل‌های متعدد را به دوش کشیده است، ولی تا حدود زیادی سعی دارد تا تمایز و تفاوت نسلی را نیز به رسمیت نشناسد و با مشکلات ناشی از این نوع تمایز و تفاوت روبه‌رو شود (ارمکی، ۱۳۸۶: ۷۰-۷۱).

۱۱. پیشنهادها و توصیه‌ها

پیشنهادهای این پژوهش برخاسته از درد دل‌های دختران مجرد است که در مقام ناصح عمل نموده و پیشنهاد و توصیه خود را به دختران، خانواده‌ها، مردم و دولتمردان به شرح زیر ارائه نموده‌اند:

۱۱-۱. توصیه به دختران

اطلاع‌رسان‌ها تجربه زیسته خود را به عنوان روایتی سرشار از عبرت تلقی کرده و دختران را به رعایت این موارد توصیه می‌کنند: از دست ندادن موقعیت‌های مناسب، توجه به سرمایه جنسی خود (پوشش و آرایش مناسب)، گسترش دامنه ارتباطات با دوستان و اقوام، برون‌گرایی و عدم عزلت‌گزینی.

۱۱-۲. توصیه به خانواده‌ها

اطلاع‌رسان‌ها توصیه‌هایی در دو سطح به خانواده‌ها ارائه داده‌اند. نخست، توصیه‌هایی برای تسهیل امر ازدواج دخترانشان و دیگری، ایجاد شرایطی برای تحمل‌پذیری وضع موجود. در مورد اول به خانواده سفارش کرده‌اند که به علایق و خواسته‌های دخترانشان توجه کنند و سرنوشت آن‌ها را قربانی درگیری‌های فامیلی و لج و لجبازی‌هایشان نکنند. تفکر سنتی خود را کنار گذاشته و در تابوهای موجود نظیر ازدواج دختران بر اساس نوبت سنی و ناف‌بران تجدید نظر کنند. شرایط ازدواج آسان را برای دخترانشان فراهم بسازند. توصیه دیگر دختران مجرد به خانواده در راستای اتخاذ رویه‌ای است که تحمل شرایط دشوار تجرد را برای دختران آسان نماید. رویه‌هایی نظیر: درک متقابل، فرد را مقصر وضعیت موجود ندانستن، دردی به درد او نیفزودن، با صبر و تحمل با او برخورد کردن، خوش‌رفتار بودن، احترام به نظرات او، او را با دیگران مقایسه نکردن و سرکوفت نزدن، کم کردن محدودیت‌های ورود و خروج او، عدم برچسب زدن.

۱۱-۳. توصیه به جامعه

توصیه دختران مجرد به آحاد جامعه این است که: برای لحظه‌ای خودشان را جای این دختران گذاشته و بعد در خصوص آن‌ها قضاوت نمایند. از تحقیر آنان پرهیز نمایند. از برچسب زدن و دید منفی داشتن اجتناب ورزند. آن‌ها را به عنوان عضوی از جامعه بپذیرند و هویت زنانه آنان را مخدوش نسازند.

۱۱-۴. توصیه به دولتمردان

دختران مجرد در مقام توصیه‌گری از دولتمردان و سیاست‌گذاران درخواست داشته‌اند: تعیین مستمری برای دختران مجرد، دادن وام‌های کم بهره یا بلا عوض برای ایجاد مشاغل سبک و خانگی، ایجاد نهادهای حمایتی برای صیانت از جان و حقوق دختران مجرد، برنامه ریزی منطقه‌ای و بومی برای سر و سامان دادن به وضعیت دختران، ایجاد بنگاه‌های ازدواج جهت شناسایی دختران مجرد و معرفی آن‌ها به خواستگاران.

۱۱-۵. پیشنهاد پژوهشی

پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌هایی مبتنی بر روش روایت‌پژوهی و نیز پژوهش‌های پدیدارشناسانه با تأکید بر یکی از ابعاد مهم پدیده تجرد قطعی نظیر داغ ننگ انجام پذیرد.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: سمت
- احمدی، زهرا (۱۳۸۳)، بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه (۱۳۷۰-۱۳۸۰)، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان
- افضلی گروه، صولت، علی محمد نظری و کیانوش زهراکار (۱۳۹۹)، بررسی پیامدهای بازماندگی از ازدواج دختران بالای ۳۰ سال شهر کرمان، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه سبک زندگی، سال ششم، شماره ۱۰، بهار و تابستان، صص ۱۱۷-۱۴۴.
- بنایی، الهه، احمدرضا اصغریپور ماسوله و مهدی کرمانی (۱۳۹۹)، پدیدارشناسی سرمایه جنسی: بررسی کیفی در تجربه زیسته زنان جوان قشر متوسط در شهر مشهد، جامعه‌شناسی کاربردی، سال سی و یکم، شماره پیاپی (۸۰)، شماره چهارم، زمستان، صص ۷۳-۹۲
- بهیان، شاپور؛ مرجان زرنندی و پریخ امامی (۱۳۹۴)، بررسی مؤلفه‌های سرمایه جنسی در زنان های پرتیراژ فارسی، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال نهم، شماره دوم، پیاپی (۲۹)، تابستان، صص ۱۴۰-۱۶۶
- جمشیدیهار، غلامرضا؛ صادقی فسایی، سهیلا؛ لولآور، منصوره (۱۳۹۲)، نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران. زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۲، تابستان، صص ۱۸۳-۱۹۸
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۹۵)، روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی، مطالعات اجتماعی ایران، دوره دهم، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز، صص ۱۰۲-۱۲۳
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۹۵)، روایت دختران ۴۵ سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی، مطالعات اجتماعی ایران سال دهم شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز صص ۱۰۱-۱۲۳
- حسینی، سید حسن، ایزدی، زینب (۱۳۹۵)، پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران، مطالعات اجتماعی روان‌شناسی زنان سال ۱۴، شماره ۱، بهار، صص ۴۱-۷۲.
- خادمیان، طلیعه (۱۳۸۷)، سبک زندگی و مصرف فرهنگی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری جهان کتاب
- خانی، سعید (۱۴۰۰)، افزایش طلاق یا رکود ازدواج؟ تأملی بر روند تحولات شاخص‌های ازدواج و طلاق در ایران طی ۱۵ سال اخیر، تداوم و تغییر اجتماعی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۲۵-۴۳
- دهقانی فیروزآبادی، جلال؛ و پیمان وهاب‌پور (۱۳۹۲)، امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۴۱-۷۶
- رمضانی، سیده گل افروز و عباس قلتاش (۱۳۹۶)، تجربه زیسته دانشجویان دکترا دانشگاه کردستان در بازماندگی از ازدواج، فصلنامه علمی پژوهشی آموزشی عالی ایران سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۰۳-۱۲۸
- زارع، بیژن؛ سید حسین سراج‌زاده، کرم حبیب‌پور گتایی و جواد مداحی (۱۳۹۹)، زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی- فرهنگی (رویکردی تحلیلی مبتنی بر آرای ژان بودریار و ریچارد سینت)، مسایل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۹۷-۱۲۳
- زیبیرا، مارتین (۱۳۸۵)، نظریه‌های جامعه‌شناسی طردشدگان اجتماعی. ترجمه حسن حسینی. تهران: آن.
- شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۹۷)، تأملی بر موضوع تجرد زنان در ایران، فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دانشگاه شاهد، دوره ۱، شماره ۱ (پیاپی ۱)، تابستان، صص ۴۴-۲۱
- صادقی فسایی، سهیلا؛ پروایی، شیوا (۱۳۹۶)، بازنمایی روابط خانوادگی در فیلم‌های اصغر فرهادی (چهارشنبه‌سوری، درباره‌الی،... و جدایی نادر از سیمین). جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره ۸، شماره ۳، بهار و تابستان، صص ۲۹-۵۲
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۱)، وضع‌شناسی و تحلیل گفتمان نظریه پردازی‌های اجتماعی از الگوی خانواده‌ی مطلوب در ایران، مطالعات راهبردی زنان، سال پانزدهم، شماره ۵۸، زمستان، صص ۷-۴۸

صادقی‌فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۷). تفاوت‌های جنسیتی در ادغام اجتماعی فناوری‌های جدید با اوقات فراغت نوجوانان: ترجیح یا تحمیل؟ زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار، صص ۱۱۵-۱۳۲

طالب‌پور، اکبر؛ بیرانوند، معصومه (۱۴۰۱). بررسی تجربه زیسته تجرد قطعی از منظر دختران مجرد، فصلنامه زن و جامعه، سال سیزدهم شماره ۳ (پیاپی ۵۱)، پاییز، صص ۹۵-۱۱۴

عباس زاده، محمد و نرمین نیکدان (۱۳۹۵)، مطالعه بسترهای زمینه ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، شماره ۴، زمستان، صص ۴۹۳-۵۱۶

فتحی، الهام و نورمحمد جاوید (۱۳۹۷)، ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی به تفکیک جنس بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، تهران: مرکز آمار ایران

قادر زاده، امید، غلامی، فاطمه، غلامی، الهه (۱۳۹۶)، بازسازی معنایی تجربه زیسته دختران از تجرد، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۵، شماره ۳، پاییز، صص ۴۰۳-۴۲۶

قانع عزآبادی، فرزانه؛ مسعود کیانپور و وحید قسمی (۱۳۹۲)، تجارب زیسته دختران ۳۰ سال به بالا در زمینه داغ ننگ ناشی از تجرد (مورد مطالعه: شهرهای اصفهان و یزد)، بررسی مسایل اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۳۰۵-۳۳۱

کوششی، مجید و مهدی خلیلی (۱۳۹۹)، پیش‌بینی عمومیت ازدواج زنان ایران (برپایه تحلیل الگوهای همسرگزینی)، بررسی مسایل اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۷-۴۰

کوئن، بروس (۱۳۹۳)، درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: توتیا

گافمن، اورینگ (۱۳۸۶)، داغ ننگ: چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.

گبینز، جان (۱۳۸۱)، سیاست پست مدرنیته، ترجمه: منصور انصاری، تهران: گامنو

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نی

مداحی، جواد؛ بیژن زارع؛ سید حسین سراج‌زاده و کرم حبیب‌پور گتایی (۱۴۰۰)، مسئله تجرد: سوژه و زیست جهان نوپدید دختران شهر تهران، مجله مسایل اجتماعی ایران، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۷-۴۳

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲)، نشست تخصصی بررسی چالش‌ها و راهکارهای مسئله تجرد قطعی. قابل دسترسی روی: <https://rc.majlis.ir/fa/news/show/1783076>

- Apostolou, M. Papadopoulou, I. & Georgiadou, P. (2019). Are people single by choice? Involuntary singlehood in an evolutionary perspective. *Evolutionary Psychological Science*, 5(1), 98-103.
- Raymo, J. M. Uchikoshi, F. & Yoda, S. (2021). Marriage intentions, desires, and pathways to later and less marriage in Japan. *Demographic Research*, 44, 67-98.
- Silver, Hilary (2008). *Social Exclusion and Social Solidarity: Three Paradigms in David Byrne. Social Exclusion; Critical Concept In Mobility Sociology* (262-313). Vol I Social Exclusion the History and Use of a Concept
- Gur, Ted Robert (1967). *Psychological factors in civil violence*, london; world Politic.
- Chakravarty, S. R. (2009), *Inequality, Polarization and Poverty Advances in Distributional Analysis*, Economy Studies in Inequality, Social Exclusion and Well-Being Springer Press
- Vranken, Jan (2004) No Social Cohesion without Social Exclusion, EUREX, and Lecture 4, online at: <http://shakti.uniurb.it/eurex/syllabus/lecture4/EUERX4-vranken.Pdf>
- Wright, K. et al. (2007), "Stigma Scale Revised: Reliability and Validity a Brief Measure of Stigma for HIV+ Youth." *Journal of Adolescent Health*, 40: 96-98.